

Analysis of Europe's Concern about Russia's Instrumental Use of Energy

Hamid Dorj*

Abstract

The high consumption and the increasing need of the European Union to import energy, especially from Russia, as the largest owner of gas resources in the world, has caused Moscow to use energy resources as a strategic lever to rebuild its empire and advance the Kremlin's policies towards Brussels. This has caused the security of sources and energy supply routes to be of great importance for Europe. In this regard, Europe has tried to reduce its vulnerability in this issue by diversifying these sources and routes, which has caused Europe to pay special attention to the South Caucasus region. Thus, the present study aims to analyze Europe's concerns about Russia's instrumental use of energy based on the components and indicators of energy security. This study will seek to answer the main question, what is Europe's concern about Russia's instrumental use of energy? The research hypothesis is that the European Union's concern about Russia's monopoly on the energy resources of Central Asia and the Caucasus; and on the one hand, the Kremlin's use of energy as a powerful weapon to advance its political and economic goals towards Europe, has a strategic impact on energy security, and the possibility of jeopardizing the national security of the Union; Therefore, in order to get rid of the crippling dependence on Russian energy sources and ensure high energy security, the Brussels authorities are trying to replace and diversify the imported oil and gas baskets-isolating Moscow in the energy market, increasing the bargaining power and helping European to act in regional and international equations. The results showed that Pursuing the policy of diversification and reducing Russia's monopoly on the energy market of the region will lead to greater independence of Europe in energy decisions and policies and the promotion of Europe's power and international status while reducing threats to energy security. The method used in this article is descriptive-analytical.

Keywords: Europe, Russia, South Caucasus, political weapons, energy security.

Article Type: Research Article.

Citation: Dorj, Hamid (2022). Analysis of Europe's Concern about Russia's Instrumental Use of Energy, *International Political Economy Studies*, 5 (2), 477-518.

* PhD student of of International Relations, Political Sciences Detp., Faculty of Law and Political Sciences, Gilan University, Gilan, Iran. hamid.dorj@phd.guilan.ac.ir

International Political Economy Studies, 2022, Vol. 5, Issue 2, pp. 477-518.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی

حمید درج*

چکیده

مصرف بالا و نیاز روزافزون اتحادیه اروپا به واردات انرژی به ویژه از روسیه به عنوان بزرگترین دارنده منابع گازی جهان باعث شده که مسکو از منابع انرژی به عنوان اهرمی راهبردی برای بازسازی امپراتوری خود و پیش بردن سیاست های کرملین در قبال بروکسل استفاده کند. این امر موجب شده که امنیت منابع و مسیرهای تأمین انرژی برای اروپا از اهمیت بالایی برخوردار شود. در این راستا، اروپا کوشیده است با متنوع کردن این منابع و مسیرها، آسیب پذیری خود را در این مسئله کاهش دهد که این امر باعث توجه ویژه اروپا به منطقه قفقاز جنوبی شده است. بدین ترتیب، نوشتار پیش رو درصدد است تا نگرانی های اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی را براساس مؤلفه ها و شاخص های امنیت انرژی تحلیل نماید و در پی پاسخ گویی به این پرسش اصلی خواهد بود که نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی در چیست؟ فرضیه پژوهش این است که نگرانی اتحادیه اروپا از انحصار روسیه بر منابع انرژی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و از سوی، استفاده کرملین از برگ انرژی به عنوان یک سلاح قدرتمند به منظور پیش برد اهداف سیاسی و اقتصادی خود در قبال اروپا، تأثیر راهبردی بر امنیت انرژی و احتمال به خطر افتادن امنیت ملی اتحادیه خواهد داشت؛ بنابراین مقامات بروکسل برای رهایی از وابستگی فلج کننده به منابع انرژی روسیه و تضمین امنیت انرژی بالا، در تلاش برای جایگزینی و تنوع بخشی به سبدهای وارداتی نفت و گاز برآمده که این امر ضمن منزوی کردن مسکو در بازار انرژی، به افزایش قدرت چانه زنی و بازیگری اروپا در معادلات منطقه و بین الملل کمک خواهد کرد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد؛ پیگیری سیاست تنوع بخشی و کاهش سلطه روسیه بر بازار انرژی منطقه، ضمن کاهش تهدیدات امنیت انرژی، به استقلال هرچه بیشتر اروپا در تصمیمات و سیاست های انرژی و ارتقای قدرت و جایگاه بین المللی اروپا منجر خواهد شد. روش مورد استفاده در این نوشتار توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه ها: اروپا، روسیه، قفقاز جنوبی، سلاح سیاسی، امنیت انرژی.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. hamid.dorj@phd.guilan.ac.ir

۱. مقدمه

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، زمامداران کرملین سعی کرده‌اند از اهرم انرژی در جهت پیشبرد سیاست خارجی روسیه و تأمین منافع ملی این کشور استفاده کنند. مسکو با التفات به کاهش توان نظامی، تنزل موقعیت سیاسی و مشکلات ساختاری اقتصاد روسیه و نیز متأثر از اصل کارآمدی ابزارها و استفاده از کارآمدترین آن‌ها در رویکرد عمل‌گرایی خود، منابع انرژی را مهم‌ترین برگ برنده روسیه در عرصه رقابت‌های بین‌المللی می‌داند و بر همین اساس، پس از ۲۰۱۰ میلادی، تلاش فزاینده‌ای را برای استفاده از این منابع به‌عنوان سلاحی سیاسی و اهرمی نیرومند در کشمکش قدرت با طرف‌های خارجی و کسب درآمدی بالا مدنظر قرار داده است که این امر تهدیدی امنیتی برای مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انرژی از روسیه قلمداد می‌گردد. در این رابطه، اتحادیه اروپا به‌دلیل وابستگی به واردات انرژی از روسیه و بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی کشورهای حوزه خلیج فارس در پی اتخاذ سیاست‌های نوینی در زمینه امنیت انرژی و پی‌ریزی استراتژی‌های پایدار برای تأمین مطمئن انرژی در آینده است که کشورهای منطقه قفقاز جنوبی در راستای سیاست‌های نوین امنیت انرژی آن و تنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی قرار دارند و پیش‌بینی‌ها در خصوص تولید این کشورها نشان از توان بالای صادراتی آن‌ها در دهه‌های آینده دارد. از این‌رو، اتحادیه اروپا به‌عنوان یک دریافت‌کننده انرژی از قفقاز که مسکو این مناطق را حیات خلوت خود قلمداد می‌کند، قرار گرفتن ابزار انرژی به‌عنوان یک برگ برنده در دست روسیه را یک مشکل جدی برای خود می‌داند.

به همین منظور بروکسل نیز به‌دنبال آن است که با اتخاذ راهبردهایی از انحصار کامل انرژی آسیای مرکزی توسط روسیه جلوگیری به‌عمل آورد و تلاش دارد در مقابل موازنه‌سازی چین و روسیه در منطقه مذکور، به این کشورهای تازه‌استقلال‌یافته نفوذ قابل توجهی داشته باشد؛ بنابراین با توجه به این ملاحظات به‌نظر می‌رسد؛ اتحادیه اروپا در سال‌های آینده روابط خود را در دو سطح کشوری و منطقه‌ای با بازیگران قفقاز حفظ و

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۷۹

تقویت نماید و با ایفای نقش مهم‌تر در منطقه سعی نماید با حل تعارضات موجود در منطقه از جمله بحران قره‌باغ و اوستیای جنوبی و حمایت از فرایند دموکراسی، زمینه را برای توسعه هر چه بیشتر خود فراهم کند با تضمین امنیت انتقال انرژی، وابستگی خود را به روسیه و خاورمیانه کاهش دهد.

با توجه به مطالب پیش گفته، پرسش اصلی مقاله این است که نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی در چیست؟ این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است که با استفاده از روش تحقیق «توصیفی-تحلیلی» انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز از راه مطالعات کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام پذیرفته است. این نوشتار با تکیه بر مبانی و مفاهیم امنیت ملی شکل گرفته است.

۲. مبانی نظری: امنیت انرژی

مفهوم امنیت انرژی، یکی از مهم‌ترین ارکان سیاست انرژی است؛ چراکه توسعه اقتصادی چه در سطح خرد و چه در سطح کلان به آن وابسته است. گامی که از امنیت انرژی سخن گفته می‌شود؛ مراد از کاربرد این مفهوم آن است که جریان انتقال آزاد انرژی بر اثر ایجاد یک رشته حوادث و اتفاقات بحرانی، منقطع نشود و کارایی نظام اقتصادی بین‌الملل را مختل نسازد. در همین ارتباط، بایستی میان امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی، قائل به تفکیک شد؛ چراکه مسئله امنیت انرژی، یک مسئله و منظومه چندبعدی است و از زوایای مختلف، قابل بررسی است. منظور از امنیت عرضه آن است که به مصرف‌کنندگان این تضمین داده شود که وقوع یک رشته حوادث غیر قابل پیش‌بینی، جریان عرضه انرژی و یا مقدار آن را متوقف نسازد. همچنین امنیت عرضه انرژی شامل تضمین امنیتی خطوط لوله انتقال انرژی نیز می‌شود، به گونه‌ای که جریان آزاد و مداوم آن تحت تأثیر خواست و اراده سیاسی صادرکنندگان، منقطع نشود (صادقی، ۱۳۹۴: ۹۱-۹۰).

کمیسیون اروپا امنیت انرژی را «توانایی مطمئن شدن از نیازهای آینده انرژی هم در بخش استفاده از منابع داخلی در چارچوب ضوابط اقتصادی و یا ذخایر استراتژیک و هم در بخش خارجی به صورت دسترسی به مبادی عرضه باثبات می‌داند». به نظر باری

بارتون^۱ و همکاران او امنیت انرژی شرایطی است که اکثریت یک ملت یا تمام آن‌ها می‌توانند دسترسی مناسب به منابع انرژی با قیمت‌های معقول در حال حاضر و آینده فارغ از احتمال قطع و ریسک بالا داشته باشند؛ اما مراد از کاربرد این واژه توسط سیاستمداران ناظر بر این موضوع است که اولاً دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد؛ ثانیاً این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی منابع و همچنین مسیرهای انتقال داشته باشند و ثالثاً جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تأمین گردند که احتمال ثبات و عدم تغییر در حکومت‌های آنان درازمدت و طولانی باشد (معین‌الدینی و انتظار المهدی، ۱۳۸۹: ۱۹۸-۱۹۷).

کسانی که از واژه امنیت انرژی به مفهوم عرضه مداوم و مطمئن با قیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی استفاده می‌کنند، به دنبال آن هستند که تهدیدات ژئوپلیتیکی، اقتصادی، تکنیکی، زیست‌محیطی و روانی ناظر بر بازارهای انرژی را کم نمایند؛ اما مراد از بکار بردن این واژه توسط سیاستمداران ناظر بر این موضوع است که اولاً دسترسی آسان و بدون احتمال خطر به منابع نفت و گاز جهانی وجود داشته باشد. ثانیاً این منابع به صورت منطقی دارای تنوع و گوناگونی از لحاظ منطقه جغرافیایی و همچنین مسیرهای انتقال باشند و ثالثاً جریان نفت و گاز عموماً از نقاطی تأمین گردند که احتمال ثبات و عدم تغییر در حکومت‌های آنان، درازمدت و طولانی باشد؛ بنابراین مصرف‌کنندگان نفت و گاز، امنیت انرژی را از دیدگاه خود مطرح می‌سازد و طبیعی است که تولیدکنندگان نیز به دنبال تعریف خاص خود از این مفهوم باشند.

امنیت انرژی برای تولیدکنندگان در آن است که به یک بازار مداوم و همراه رشد منطقی قیمت در آینده دسترسی داشته باشند؛ زیرا اکثر تولیدکنندگان از گروه اقتصادهای تک‌سلولی هستند که به فروش نفت عمیقاً وابسته‌اند و هرگونه احتمال کم شدن تقاضا و یا توجه کشورهای توسعه‌یافته به انرژی جایگزین و یا ترجیح آنان در تأمین نفت و گاز از کشورهای غیر اوپک به معنای ایجاد مانع در توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی این

1. Barry Barton

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۸۱

کشورهایست (صفوی و مهدیان، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۴)؛ بنابراین، امنیت انرژی امروزه طیف گسترده‌ای از مباحث شامل افزایش تقاضای جهانی و وابستگی بیشتر به بازارهای تولید، امنیت عرضه، ترانزیت و حفاظت از خطوط لوله، منابع انرژی مطمئن، قیمت‌های مناسب، تعیین سیاست‌های انرژی، مسائل زیست‌محیطی و انرژی جایگزین را دربر می‌گیرد. بر این اساس، برخی امنیت انرژی را ترکیبی از امنیت نظامی و امنیت اقتصادی می‌دانند. امنیت نظامی از حیث عدم تهدید نظامی در حین تولید و حمل‌ونقل تا رسیدن به مقصد حائز اهمیت است و امنیت اقتصادی به مسائل سرمایه‌گذاری مناسب برای تولید، توزیع و همچنین قیمت‌های متعادل حامل‌های انرژی مربوط می‌شود (آقاعلیخانی، ۱۳۹۱: ۴۸).

عباس ملکی در کتاب خود با عنوان «سیاست‌گذاری انرژی»، بیان می‌دارد؛ برای تصمیم‌گیری در مورد امنیت انرژی باید چهار مفهوم را در نظر گرفت: ۱- قابلیت دستیابی: این مفهوم به عناصری اشاره دارد که با وضعیت فناوری انرژی در ارتباط هستند و میزان دستیابی به حوزه‌های نفت و گاز را تعیین می‌کند؛ ۲- در دسترس بودن: عنصر در دسترس بودن با موقعیت ژئوپلیتیکی انرژی و میزان ذخایر در ارتباط است؛ ۳- قابل تحمل بودن: مفهوم قابل تحمل بودن مربوط به قیمت‌های انرژی است؛ ۴- قابل قبول بودن: در این مفهوم بیشتر به تعامل انرژی با ایمنی زندگی انسان و مسئله محیط‌زیست پرداخته شده است (یاری و رضایی، ۱۳۹۶: ۳۱).

امنیت انرژی نیز دارای ابعاد و شاخص‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرند و در صورت مد نظر قرار گرفتن چنین شاخص‌هایی است که امنیت انرژی مفهوم پیدا می‌کند. اولین شاخص امنیت انرژی را می‌توان در قالب کالاهایی دانست که ماهیت تکرارپذیر ندارند؛ به عبارت دیگر، اصلی‌ترین شاخص امنیت انرژی آن است که چنین کالایی امکان تولید مجدد ندارد. این امر مطلوبیت انرژی را در اقتصاد جهانی و امنیت بین‌الملل ارتقاء می‌دهد. دومین شاخص امنیت انرژی آن است که کالاهای تولیدشده و بازار اقتصاد جهانی از مطلوبیت لازم برخوردار باشند؛ یعنی اینکه ارتباط مستقیم و همبستگی معناداری بین کالاهای انرژی و همچنین اقتصاد صنعتی سرمایه‌داری وجود داشته باشد.

اگر اقتصاد جهانی به کالای خاصی نیاز نداشته باشد؛ طبعاً چنین کالایی نمی‌تواند در زمره موضوعات مهم در اقتصاد جهانی به‌شمار رود. شواهد نشان می‌دهد که علت اصلی شتاب در اقتصاد سرمایه‌داری، مربوط به تولید کالاهایی است که براساس منابع انرژی شکل گرفته‌اند؛ به عبارت دیگر، نیاز اقتصادی به منابع، بیش از ذخایر انرژی خواهد بود (حافظ‌نیا و فرجی، ۱۳۹۳: ۹۳). سومین شاخص امنیت انرژی، مربوط به امنیت و ثبات سیاسی کشورهای تولیدکننده انرژی است. این کشورها عموماً درگیر بحران اقتصادی و اجتماعی بوده و از سوی دیگر، با نشانه‌هایی از بی‌ثباتی و عدم تعادل روبه‌رو هستند.

شواهد موجود بیانگر آن است که این کشورها، بخش قابل توجهی از منابع اقتصادی خود را صرف هزینه‌های نظامی می‌کنند. در چنین شرایطی، کشورهای تولیدکننده انرژی، با نشانه‌هایی از اختلافات سرزمینی، جدال هویتی و مشکلات اجتماعی روبه‌رو هستند. اقتصاد کشورهای تولیدکننده انرژی، ماهیتی رانتی داشته و این امر، پیوندهای ارگانیک دولت و جامعه را به گونه قابل توجهی کاهش خواهد داد. به این ترتیب، کشورهای تولیدکننده انرژی، از یک سو می‌توانند درگیر اختلافات و تضادهای سیاسی باشند و از سوی دیگر، با نشانه‌هایی از بحران اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شوند (مختاری‌هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

با توجه به مفروضات مطروحه می‌توان گفت؛ با توجه به نیاز روزافزون اتحادیه اروپا به انرژی روسیه و از سویی، استفاده روسیه از انرژی به‌عنوان یک سلاح سیاسی جهت بازسازی امپراتوری منطقه‌ای خود، امنیت انرژی این اتحادیه با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده و با تقاضای فزاینده انرژی در اروپا در آینده، مشکل امنیت انرژی در این منطقه شدت خواهد یافت. با توجه به آسیب‌پذیری و وابستگی بالای اروپا به روسیه به‌عنوان تأمین‌کننده مسلط گاز، بروکسل برای مصون ماندن از استفاده ابزاری کرملین از منابع انرژی در قبال کشورهای عضو اتحادیه اروپا و از سویی، ممانعت از کاهش امنیت انرژی، در تلاش برای متنوع نمودن مسیرهای انتقال انرژی مورد نیاز خود برآمده است. در این میان، منطقه قفقاز جنوبی به‌عنوان منطقه‌ای غنی از نفت و گاز و همچنین

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزار روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۸۳

مسیری راهبردی در حمل و نقل انرژی به اروپا برای کاهش وابستگی به انرژی روسیه ظهور یافت. نوآوری نوشتار حاضر در این است که اگرچه تاکنون مقالات و تحقیقات زیادی در خصوص رویکرد اروپا در قبال سیاست‌های روسیه و اقدامات این کشور در حوزه انرژی انجام پذیرفته است؛ ولی عمده این تحقیقات به همکاری این دو بازیگر بزرگ در بخش انرژی و در قالب وابستگی متقابل و نیاز طرفین به این همکاری صورت پذیرفته است؛ این در حالی است که پژوهش حاضر با تکیه بر مفاهیم و شاخص‌های امنیت انرژی و همچنین با تأکید بر تحولات ۲۰۲۲ اوکراین و تهدیدات روسیه به بستن شیر گاز بر روی اروپا نگارش یافته است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق پیش‌رو از نظر نوع هدف کاربردی و روش آن از نوع کیفی است. در پژوهش حاضر به توصیف، مطالعه و تجزیه و تحلیل آنچه هست؛ نیز پرداخته می‌شود؛ بنابراین، نوشتار پیش‌رو از لحاظ روش اجرا از نوع «تحقیقات توصیفی - تحلیلی» است. با عنایت به ماهیت موضوع مورد پژوهش، روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی است. به این گونه که اطلاعات مورد نیاز برای کتاب‌ها و مقالات استخراج و طبقه‌بندی شده و سپس به شیوه کیفی، به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. اهمیت راهبردی قفقاز جنوبی برای اروپا

با توجه به اینکه قفقاز بخشی از اروپا و همسایه بی‌واسطه آن است؛ این منطقه برای اتحادیه اروپا از اهمیت فراوانی برخوردار است. مسائل امنیتی و اقتصادی سبب شده است تا سرنوشت این منطقه با سرنوشت اروپا گره بخورد. به همین دلیل پس از فروپاشی اتحاد شوروی، کشورهای اروپایی در جست‌وجوی جذب کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در میان خود بوده‌اند. اروپا به همکاری با کشورهای منطقه به‌ویژه در زمینه انرژی و حمل‌ونقل اهمیت زیادی می‌دهد. در این راستا؛ برنامه‌های متعددی از سوی اروپا در آسیای مرکزی و قفقاز طراحی شده است. از جمله، می‌توان به برنامه معروف به

«تراسکا»^۱ که کریدور میان اروپا- آسیا را تعریف می‌کند و نیز برنامه دیگری موسوم به «اینوگیت»^۲ در زمینه روان‌تر کردن انتقال انرژی از منطقه به اروپا، اشاره کرد. مجموعه کمک‌های اروپایی در امور آموزش و آموزش فنی-حرفه‌ای در برنامه تأسیس طراحی شده است (متقی‌دستنایی، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۳). از نظر فرهنگی، قفقاز مرز میان تمدن اسلامی، مسیحی و یهودی و سه فرهنگ ترکی، روسی و ایرانی و همچنین زیستگاه بیش از پنجاه گروه قومی، زبانی و سه دین اسلام، یهود و مسیحیت است (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۰: ۲). قفقاز جنوبی با جمعیتی در حدود هجده میلیون نفر و متشکل از پنجاه گروه قومی و زبانی و سه دین اسلام، یهود و مسیحیت، یکی از متکثرترین بافت‌های اجتماعی را دارا است (Karagiannis, 2002: 6). افزون بر این، به دلیل موقعیت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی میان اتحادیه اروپا و قفقاز جنوبی، این منطقه از نظر سیاست خارجی و امنیتی مشترک و همچنین دروازه واقعی به آسیای مرکزی، منطقه‌ای استراتژیک برای اتحادیه اروپا تلقی می‌شود و این اتحادیه به دنبال تقویت روابط با قفقاز جنوبی با هدف ارتقای صلح، ثبات رفاه و همکاری منطقه‌ای است (رفیعی، ۱۳۹۸: ۵۴۳-۵۴۲).

قفقاز جنوبی در چند مسیر مهم انتقال انرژی اتحادیه اروپا قرار دارد و در چند طرح مهم سیاسی اتحادیه از جمله سیاست همسایگی اروپا، شراکت شرقی و هم‌افزایی اروپایی دریای سیاه ادغام شده است. این منطقه بخشی از کریدور انرژی جنوبی و راهبرد ترانس کاسپین محسوب می‌شود و کریدور جنوبی به یکی از طرح‌های اولویت‌دار در حوزه انرژی برای اتحادیه اروپا تبدیل شده است. ظرفیت‌های موجود برای متصل ساختن اروپا به چین از راه خط راه‌آهن از دیگر مزیت‌های قفقاز جنوبی برای اتحادیه اروپا است. با پیوستن بلغارستان و رومانی به اتحادیه اروپا، بروکسل هم‌اکنون به کنش‌گر بلافصل در منطقه دریای سیاه تبدیل شده است که با قفقاز جنوبی هم‌مرز است. آذربایجان و گرجستان منطقه حد واسط منابع انرژی دریای خزر و مسیر رسیدن به آسیای مرکزی و

1. Traska
2. inugate

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۸۵

چین هستند (ثمودی پیله‌رود و نوروزی زرمهری، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۹).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی قفقاز جنوبی (دیدار نیوز، ۱۷ مهر ۱۴۰۰)

دبیر کل ناتو در فوریه ۱۹۹۷ اعلام کرده است: «اگر کشورهای قفقاز از حوزه اختیار اروپا خارج بمانند؛ اروپا به طور کامل در امنیت نخواهد بود». نماینده ویژه اتحادیه اروپا در یکی از مصاحبه‌های خود بیان کرد: «اتحادیه اروپا مایل به افزایش حضور خود در قفقاز جنوبی است و گسترش روابط در درازمدت را نفی نمی‌کند» (Coppieters, 2003: 170). افزون بر این، به دلیل موقعیت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی میان اتحادیه اروپا و قفقاز جنوبی، این منطقه از نظر سیاست مشترک خارجی و امنیتی و همچنین دروازه واقعی به آسیای مرکزی، منطقه‌ای استراتژیک برای اتحادیه اروپا تلقی می‌شود و این اتحادیه به دنبال تقویت روابط با قفقاز جنوبی با هدف ارتقای صلح، ثبات رفاه و همکاری منطقه‌ای است (رفیعی، ۱۳۹۸: ۵۴۳-۵۴۲).

درواقع، اتحادیه اروپا به قفقاز جنوبی به عنوان حوزه‌ای که محلی برای بازتعریف خود به عنوان بازیگری جدید در حوزه اوراسیا و قدرتی فعال در عرصه بین‌الملل به صورت منطقه‌ای و حیاتی می‌نگرد. از این رو، اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن، نفوذ در منطقه قفقاز جنوبی را به عنوان ورود به بازی قدرت‌های بزرگ می‌دانند؛ زیرا منطقه اوراسیا محل

تلاقی حوزه‌های نفوذ قدرت‌های بزرگ است و مطرح شدن اتحادیه اروپا به عنوان بازیگری جدید در این حوزه برای اتحادیه اهمیت زیادی دارد (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶۴).

۲-۴. سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال قفقاز جنوبی

توجه و علاقه‌مندی اتحادیه اروپا برای حضور در قفقاز جنوبی از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تاکنون همچنان سیر صعودی داشته است. به ویژه بعد از گسترش اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴، این اتحادیه روابط نزدیک تری را با قفقاز جنوبی برقرار کرده است و تمرکز اصلی آن بر حل منازعات قره‌باغ^۱، آبخازیا^۲ و اوستیای جنوبی^۳ در راستای گسترش روابط با گرجستان در دستور کار اتحادیه اروپا قرار گرفت؛ زیرا گسترش جنگ و بی‌ثباتی در این منطقه می‌تواند امنیت اتحادیه اروپا را تضعیف کند. به همین خاطر اتحادیه اروپا به دنبال حل منازعات این منطقه، تشویق این کشورها برای حکومت مطلوب، تضمین دسترسی به نفت و گاز دریای خزر و توسعه حمل‌ونقل و ارتباطات بین اروپا و آسیا از این طریق است (رهنورد، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

افزون بر این با هم‌گرایی بیشتر اعضای اتحادیه اروپا و پیوستن کشورهای اروپای شرقی به این اتحادیه، ضرورت تدوین استراتژی منسجم برای سیاست خارجی مشترک برای منطقه قفقاز بیشتر احساس شد. بر همین اساس، در سند استراتژی امنیتی اتحادیه اروپا آمده است که ما باید توجه بیشتری به مسائل جنوب قفقاز که همسایگان منطقه‌ای ما خواهند بود؛ معطوف می‌نماییم. بدین ترتیب، اتحادیه اروپا هم‌گرا نمودن جمهوری‌های منطقه قفقاز جنوبی با این اتحادیه و از طرفی دیگر، به چالش کشیدن قدرت انرژی فدراسیون روسیه و افزون بر این، محدود کردن روس‌ها در مرزهایش و کنترل تحرکات سیاسی، امنیتی و نظامی این کشور در کشورهای میانی اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه که در نتیجه کاهش سلطه روسیه بر این منطقه را به دنبال دارد و می‌تواند هژمونی فدراسیون روسیه در این منطقه را به چالش بکشد را مهم‌ترین هدف خود از حضور در منطقه قفقاز جنوبی قرار داده است؛

1. Karabagh
2. Abkhazia
3. South Ossetia

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزار روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۸۷

بنابراین در رابطه با سیاست‌های اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی و ورود به حیات خلوت روسیه، باید گفت که افزون بر راهبرد این اتحادیه در قبال انرژی دریای خزر، باید از ساختارهایی نام برد که اتحادیه اروپا برای نفوذ در پیرامون فدراسیون روسیه یا همان حوزه «خارج نزدیک» این کشور ایجاد کرده است تا بتواند هژمونی روسیه در منطقه خارج نزدیک خود را به چالش بکشد و افزون بر این، بتواند به اهداف ترسیمی خود در این منطقه دست یابد (رفیعی، ۱۳۹۸: ۵۴۳).

از این رو، اروپا در تلاش بوده تا از راه محاصره ژئوپلیتیکی روسیه در حوزه خارج نزدیک، قدرت و توان بازیگری این کشور را در منطقه کاهش دهد و با تضعیف و انزوای منطقه‌ای مسکو، نفوذ و قدرت منطقه‌ای خود را افزایش دهد و از این طریق معادلات قدرت را در راستای منافع بروکسل شکل دهد.

در واقع، اروپا، منطقه قفقاز جنوبی را ترک نخواهد کرد؛ زیرا ترک این منطقه توسط این قدرت فرمانطقه‌ای، به معنی اعتراف به قبول دیدگاه فدراسیون روسیه مبنی بر این‌که قفقاز جنوبی حوزه نفوذ روس‌ها است، است. در پی این تحولات، به نظر می‌رسد که برخورد اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا با قفقاز جنوبی، محصول سیاست‌های پیشنهادی این قدرت‌ها باشد؛ نه مجموعه‌ای از تصمیم‌هایی که در پاسخ به محیط استراتژیک و تغییرات منطقه‌ای ایجاد شده است (Rumer & others, 2017: 5)؛ بنابراین مشخص است که طرح‌های انتقال انرژی دریای خزر از مسیر قفقاز جنوبی به غرب و ساختارهایی که اتحادیه اروپا برای ورود به حیات خلوت روسیه و گسترش به شرق، با هدف به چالش کشیدن هژمونی روسیه ترسیم کرده است؛ مکمل یکدیگرند؛ زیرا این طرح‌ها، افزون بر تأمین منافع سیاسی اتحادیه اروپا، می‌تواند زمینه حضور اتحادیه اروپا در بحث انتقال انرژی دریای خزر به غرب از مسیر قفقاز جنوبی با هدف دور زدن فدراسیون روسیه را به نتیجه برساند و از طرفی دیگر، سرمایه‌گذاری در این طرح‌ها به دلیل ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی در این جمهوری‌ها، می‌تواند به اجرای راهبردهای سیاسی اتحادیه اروپا در این مناطق کمک کند. با این حال، اتحادیه اروپا، به عنوان قدرتی فرمانطقه‌ای که در افزایش و دامن‌زدن به

خشونت‌ها و ناامنی‌های قفقاز جنوبی و ایجاد بحران در این منطقه نقشی کلیدی نداشته است و از طرفی دیگر، جاذبه این اتحادیه به‌عنوان یک مدل مطلوب زندگی، حکومت‌داری خوب، اقتصاد سالم و امنیت دسته جمعی، برگ برنده‌ای است که این اتحادیه برای پیگیری اهداف و منافع خویش و ترغیب افکار عمومی قفقاز جنوبی به سوی حمایت از راهبردهای این اتحادیه در منطقه مذکور در اختیار دارد (رفیعی، ۱۳۹۸: ۵۴۵).

در رابطه با ساختارهایی که اتحادیه اروپا با استفاده از قدرت نرم خود طراحی و ترسیم کرده است تا ضمن عدم به‌کارگیری قدرت نظامی و سخت نسبت به کشورهای هدف بتواند به اهداف خود برسد، طرحی است به نام سیاست همسایگی اتحادیه اروپا که در این اتحادیه به‌منظور تماس و ارتباط با کشورهای که عضو اتحادیه اروپا نیستند و در آینده نزدیک نیز قرار نیست به عضویت این اتحادیه درآیند؛ اما به لحاظ ژئوپلیتیک و اقتصادی برای این اتحادیه اهمیت ویژه‌ای دارند، است. سیاستی که توانست مقدمات نفوذ راهبردی اتحادیه اروپا برای گسترش نرم به شرق و ورود به حیات خلوت روسیه را فراهم کند.

اتحادیه اروپا نیز به‌منظور تقویت بُعد شرقی سیاست همسایگی و رفع کاستی‌های این طرح، ابتکار مشارکت شرقی را مطرح کرد. این ابتکار که کامل‌ترین طرح اتحادیه اروپا برای ورود به حیات خلوت روسیه محسوب می‌شود؛ در سال ۲۰۰۹ میلادی اجرا شد. هدف این طرح، فراهم کردن تسهیلاتی در موضوعات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بود که کشورهای بلاروس، اوکراین، مولداوی، گرجستان، ارمنستان و آذربایجان را شامل می‌شد. هدف از این طرح به‌طور عمده این بود که این جمهوری‌ها به تدریج در سازوکارهای فرعی اقتصادی اروپا جذب شوند. براساس این طرح بود که یک توافق همکاری اقتصادی به این کشورها از سوی اروپا پیشنهاد شد (Shapovalova & Youngs, 2012: 17).

باوجود این‌که عضویت کشورهای منطقه قفقاز جنوبی در اتحادیه اروپا در دستور کار این طرح قرار ندارد؛ اما ایجاد بسترهای لازم برای عضویت این کشورها در اتحادیه اروپا در درازمدت پیش‌بینی شده است. درواقع، طرح شراکت شرقی نشان‌دهنده تلاش اتحادیه اروپا برای ختنی کردن نفوذ فدراسیون روسیه بر دولت‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق در منطقه قفقاز جنوبی، اروپای مرکزی و شرقی است که این مسئله پس از تهاجم نظامی

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزار روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۸۹

روس‌ها به جمهوری گرجستان در سال ۲۰۰۸ میلادی و تهاجم به اوکراین در سال ۲۰۱۴ میلادی که با هدف مقابله با طرح‌های دولت‌های غربی برای ورود به حیات خلوت این کشور شکل گرفت، بیشتر روی واقعی خود را نشان داد.

سیاست همسایگی اروپا، نقشه راه سیاست خارجی اتحادیه در قفقاز جنوبی با توجه به منافع و محدودیت‌ها و الزامات موجود است. اتحادیه اروپا به‌عنوان یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای اثرگذار در منطقه، ضمن آنکه منافع مثبتی در ثبات قفقاز به‌عنوان بخشی از همسایگی اروپا دارد، منافی نیز در مدیریت و کمک به حل موضوعات امنیتی در قفقاز دارد؛ زیرا تأثیرات نامطلوبی که بحران‌ها در قفقاز دارند، می‌تواند برای خود اروپا نیز موانع و دغدغه‌های جدیدی همچون بحران‌های بشردوستانه و جریان‌های مهاجرت را به همراه داشته باشد. اتحادیه اروپا با درک مسائل مورد نیاز و با برنامه‌های متنوع سیاسی، امنیتی و اقتصادی، شرایطی را پدید آورد تا در منطقه حضور بیشتر و مؤثرتری را تجربه کند. در این بین، طرح‌هایی همچون شراکت شرقی، عضویت در طرح مشارکت برای صلح ناتو، کمک اتحادیه به ایجاد کریدور حمل و نقل شرق-غرب و حمایت اقتصادی و فنی جهت بهبود وضعیت اقتصادی قفقاز جنوبی و... این حضور را عملیاتی ساخته است (زارعی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

درواقع، اهداف سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی عبارت‌اند از: ۱- دسترسی به ذخایر و منافع انرژی خزر و قفقاز جنوبی؛ ۲- دسترسی به منطقه آسیای مرکزی از راه کشورهای قفقاز به‌عنوان منطقه رابط؛ ۳- گسترش حوزه نفوذ خود بر این منطقه و مناطق حاشیه آن؛ ۴- ایجاد حاشیه امنیتی برای اتحادیه اروپا از راه برقراری صلح و ثبات در منطقه و ترویج مردم‌سالاری و ارزش‌های اروپایی به‌عنوان یکی از اهداف و سیاست‌های معنوی اروپائیان؛ ۵- مطرح کردن اروپا به‌عنوان یک بازیگر و قدرت فعال در سطح منطقه و جهان؛ ۶- تعریف اتحادیه اروپایی به‌عنوان یک بازیگر جدید در منطقه قفقاز؛ ۷- کاهش نفوذ کشورهای قدرتمند همسایه مانند ایران و روسیه و شاید به نوعی ترکیه؛ ۸- یافتن بازارهای جدید برای کشورهای عضو با همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی (Cornell, 2003: 34).

۳-۴. استفاده روسیه از انرژی به عنوان ابزاری سیاسی در قبال اروپا

روسیه به عنوان یکی از ابرقدرت‌های انرژی جهانی ذخایر هیدروکربنی، نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات بین‌المللی انرژی دارد. ذخایر عظیم نفت و گاز این کشور سبب شده است تا کرملین با تحکیم ارکان مادی هژمونی خود بر اقتصاد جهانی، از انرژی به عنوان ابزار اعمال قدرت و کسب ثروت بهره‌برداری کند. برخی کارشناسان در مورد اولویت‌های ملی کرملین برای تقویت نقش روسیه در بازار انرژی جهان با نگرانی می‌نگرند. آن‌ها استدلال می‌کنند که مسکو در تلاش است تا با به دست آوردن کنترل بر خطوط لوله و همچنین افزایش نقش شرکت‌های روسی در بازار انرژی اروپا و همکاری‌های نزدیک‌تر روسیه با کره جنوبی، چین و هند در نفت و امور گاز، به یک ابرقدرت انرژی پیشرو و مؤثر بر سیاست‌های اروپایی و جهانی تبدیل شود (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۳-۱۲۲).

مسکو از ابزار انرژی برای اعمال سیاست خارجی و امنیتی خود از راه صادرات انرژی و سیاست‌های قیمت‌گذاری اقدام کرده است. برای نمونه، در سال ۱۹۹۱، بلافاصله پس از اعلام استقلال لیتوانی، روسیه انتقال انرژی به لیتوانی را متوقف کرد و در سال ۱۹۹۳، هنگامی که استوی، قانونی در مورد بیگانگان تصویب کرد؛ انتقال گاز به این کشور را نیز قطع کرد. در سال ۱۹۹۵، قیمت گاز صادراتی خود به اوکراین را افزایش داد و هم‌زمان پیشنهاد پیوستن اوکراین به اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را مطرح کرد. در سال ۱۹۹۸، پیش از مذاکرات روسیه بر سر استقرار نیروهای روسی در منطقه^۱ و رانیستریا^۱ اعلام کرد: «به‌زودی گاز مولداوی را قطع خواهیم کرد».

در روزهای آغازین سال ۲۰۰۷، روسیه مقامات مینسک^۲ را زیر فشار گذاشت تا افزایش بهای ۱۰۵ دلاری را بپذیرند و در برابر ۵۰ درصد سهام، سامانه خطوط لوله گاز خود را به گاز پروم واگذار کنند. روسیه سفید در واکنش به اقدام روسیه تعرفه گمرکی نفت روسیه به اروپا را افزایش داد که از راه خط لوله «دروژبا»^۳ انجام می‌گرفت. این موضوع منجر به قطع

1. Varanistria
2. Minsk
3. Druzhba

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۹۱

صادرات موقتی نفت به اروپا و نگرانی رهبران اروپا شد (صبغیان و رسولی، ۱۴۰۰: ۱۸۹-۱۸۶).

از این رو، انرژی مهم‌ترین و اصلی‌ترین عنصر سیاست خارجی روسیه را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که دیمیتری ترینین^۱ از کارشناسان برجسته روسی می‌گوید: «پیروزی‌های روسیه در اواخر قرن نوزدهم به سبب ارتش و نیروی دریایی آن کشور بود، اما اکنون نفت و گاز طبیعی، پیروزی‌های روسیه را در عرصه بین‌المللی رقم می‌زند». فیونا هیل^۲ نیز معتقد است: «روسیه توانسته خود را از ابرقدرت نظامی زوال یافته به ابرقدرت جدید انرژی تغییر دهد». به اعتقاد هیل، روسیه از آغاز سال ۲۰۰۰ میلادی، به تدریج رویکرد سنتی نظامی‌گری و تأکید بر حفظ و به‌کارگیری قدرت نظامی برای تحکیم موقعیت ژئوپولیتیکی خود را کنار زده و در عوض کوشیده است قویاً در مسیر بهره‌گیری از منابع اقتصادی برای تثبیت موقعیت بین‌المللی خود گام بردارد (دهقانی فیروزآبادی و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۹).

همان‌گونه که محرک اصلی سیاست خارجی روسیه، آرزویش در بازسازی سلطه بین‌المللی و بازیابی حوزه سنتی نفوذش است؛ انرژی روسیه عنصر اصلی در حرکت رو به جلوی قدرت و موقعیت بین‌المللی این کشور با جایگزینی روابط انرژی به جای ایدئولوژی کمونیست و پیمان ورشو است؛ به گونه‌ای که محور دیدگاه ولادیمیر پوتین برای روسیه این فلسفه بوده است که توسعه منابع استراتژیک روسیه، کلید تولد مجدد اقتصادی و احیای آن به‌عنوان ابرقدرتی جهانی است (نیاکویی و میرزآزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

اهداف راهبردی دیپلماسی انرژی روسیه را می‌توان حول سه محور اصلی تجزیه و تحلیل کرد؛ ۱- احیای موقعیت از دست رفته ابرقدرتی در مقیاس جهانی؛ ۲- مهار قدرت و نفوذ چین در معادلات اقتصادی جهانی و کنترل حضور آن کشور در حوزه نفوذ راهبردی و امنیتی روسیه و ۳- تحکیم و تعمیق وابستگی اروپا به انرژی گاز روسیه. هرچند روسیه با ذهنیت دوران جنگ سرد، همواره در صدد است تا در کلاس ابرقدرت‌های جهان به حساب بیاید؛ اما هیچ‌یک از این شاخص‌ها، روسیه را در تراز جهانی به‌عنوان یک ابرقدرت مطرح

1. Dmitri Trenin
2. Fiona Hill

نمی‌کند.

این کشور اکنون بزرگ‌ترین صادرکننده انرژی جهان است و از همین رو است که بهره‌برداری از این مزیت نسبی را محور سیاست خارجی و دیپلماسی خود قرار داده و به جای تکیه بر نیروی نظامی که ممکن است سال‌ها کاربرد نداشته باشد؛ به اهرمی متمسک شده است که بهره‌گیری از آن در هر زمان امکان‌پذیر است. براساس داده‌های وزارت انرژی روسیه تولیدات گاز این کشور در سال ۲۰۱۶، ۲۲ تریلیون فوت مکعب بود که پس از ایالات متحده دومین تولیدکننده بزرگ جهان بود که بیشتر آن به کشورهای اروپایی صادر شده است و حدود ۶۰ میلیارد دلار درآمد برای روسیه به همراه داشته است. ذخایر روسیه یک چهارم ذخایر اثبات‌شده کل جهان است که روسیه را به ابرقدرت انرژی تبدیل کرده است. روسیه همچنین با داشتن ۱۷۷ میلیارد تن زغال سنگ در پایان ۲۰۱۶، پس از ایالات متحده دومین دارنده زغال سنگ بازیافتی در جهان بود (فرجی‌راد و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۶: ۳۸-۴۰). بنابر آخرین اطلاعات منتشرشده به وسیله شرکت نفت انگلیس^۱ در مورد ذخایر اثبات‌شده، ذخایر نفت روسیه در سال در سال ۲۰۱۶ میلادی، ۸۰ میلیارد بشکه، ذخایر گاز این کشور حدود ۴۷/۷۹۸ تریلیون مترمکعب برآورد شده است (صباغیان و رسولی، ۱۴۰۰: ۱۸۵-۱۸۴).

روسیه در سال ۲۰۱۹، به میزان ۲۲۶ میلیارد دلار از فروش نفت و گاز به جهان درآمد داشته است که حدوداً ۱۵۰ میلیارد دلار آن از اتحادیه اروپا به‌دست آمده است. صنعت انرژی (نفت و گاز) یکی از منابع مهم درآمد دولت روسیه به شمار می‌رود. براساس آمار رسمی سایت‌های اقتصادی، در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ سهم انرژی در درآمدهای دولت به ترتیب ۴۶ و ۴۱/۵ درصد به ثبت رسیده است. افزون بر این بخش انرژی ۶۵ درصد از درآمدهای صادراتی و ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد (سیمبر و رضایپور، ۱۳۹۸: ۴۶-۴۵).

روسیه در ژانویه ۲۰۱۷ با انتقال ۱۸ میلیارد متر مکعب گاز به اروپا، یعنی به میزان ۳۹/۳ درصد از کل مصرف گاز اروپا و همچنین در سال ۲۰۱۸ با انتقال ۲۰ میلیارد متر مکعب

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزارهای روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۹۳

گاز، یعنی حدود ۴۰٪ درصد از کل مصرف گاز این اتحادیه، رکورد صادرات به اروپا را شکست (رضاپور و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۹: ۱۶۱). مجموع صادرات گاز طبیعی روسیه به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۱ به ۱۵۵ میلیارد متر مکعب رسید که حدود ۱۳٫۲ میلیارد متر مکعب آن به صورت ال.ان.جی است (Albrizio & Others, 2022: 9). برخورداری روسیه از یک پنجم منابع انرژی جهان و نیز رشد فزاینده نیاز جهانی به مصرف انرژی به ویژه در دو بخش نفت و گاز طبیعی، برخی نویسندگان و کارشناسان مسائل انرژی را به این نتیجه رسانده که روسیه افزون بر بهره‌گیری اقتصادی از فروش انرژی برای بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی خود می‌کوشد منافع سیاسی و امنیتی از این رهگذر به دست آورد. به علت اقدام روسیه در بهره‌گیری سیاسی و امنیتی از صدور انرژی، نفت و گاز طبیعی به خصوص به بازارهای اروپایی، برخی تحلیل‌گران بین‌المللی به بروز پدیده «انرژی‌هراسی» در اتحادیه اروپا اشاره کرده‌اند (دهقانی فیروزآبادی و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۹).

از این رو، روسیه در رابطه با اروپا در زمینه انرژی از مزیت مطلق برخوردار است و اروپا از این نظر به شدت به روسیه وابسته و آسیب‌پذیر است. اروپا در حال حاضر حدود ۵۰ درصد از انرژی مورد نیاز خود را از راه واردات تأمین می‌کند. چنانچه وضعیت با شرایط کنونی تداوم یابد و تحولات اساسی در زمینه منابع جدید انرژی در اروپا صورت نپذیرد، پیش‌بینی می‌شود که میزان وابستگی اروپا به واردات انرژی در سال ۲۰۳۰ از ۵۰ درصد به ۷۵ درصد افزایش یابد. طی همین دوره زمانی، نیاز اروپا به واردات گاز از ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۶۶ درصد در سال ۲۰۳۰ خواهد شد و این مزیت خوبی برای روسیه است تا از هم‌اکنون کنترل نبض انرژی در بازارهای اروپایی را به دست گیرد (Van de Graaf & Colgan, 2017:3-4). همین مسئله به روسیه کمک کرده است تا بتواند صادرات نفت و گاز به کشورهای اروپایی و به ویژه اتحادیه اروپا را تقریباً به صورت انحصاری در اختیار داشته باشد.

از مؤلفه‌های جدایی‌ناپذیر امنیت انرژی برای کشورهای تولیدکننده نفت، امنیت درآمد و امنیت تقاضا است. دسترسی به ذخایر جدید، توانایی توسعه زیرساخت‌های جدید و رژیم‌های سرمایه‌گذاری پایدار از جمله مؤلفه‌هایی هستند که برای دستیابی به امنیت انرژی

برای شرکت‌های نفت و گاز حیاتی است (باری و رضایی، ۱۳۹۶: ۳۵). در این میان، بازار دولت‌های عضو اتحادیه اروپا منبع اصلی کسب درآمد روسیه به شمار می‌روند و از این‌رو، کرملین درصدد تقویت توسعه گازپروم در بازارهای اروپا است و تحقق این هدف را با ابزارهای مختلف دنبال می‌نماید. مسکو برقراری ارتباط با دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را به صورت جداگانه ترجیح می‌دهد، نه گروهی؛ زیرا با این کار می‌تواند قیمت‌های متفاوتی به مشتریان خود عرضه و قیمت انرژی با هر کشور را با توجه به توان پرداخت آن کشور تعیین کند.

روسیه با این قراردادها سعی کرده تلاش‌های اروپا را برای شکست انحصار این کشور در عرضه گاز به اروپا از راه احداث خطوط لوله جدید از جمله خط لوله ناباکو خنثی کند. همچنین روسیه سعی دارد وابستگی اروپا را به نفت و گاز خود افزایش داده و وابستگی خود را به کشورهای ترانزیت‌کننده انرژی کاهش دهد. در این راستا، شرکت گازپروم، قراردادهای طولانی‌مدت عرضه، ساخت خطوط لوله، طرح‌های مشترک نیروگاهی بازاریابی و... را با بیشتر کشورهای اروپای غربی از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا و اتریش امضاء کرده است. روسیه همچنین در حال خرید دارایی‌های زیربنایی راهبردی در گرجستان، مجارستان و اوکراین است. انحصار مؤثر گازپروم بر عرضه گاز ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان اهرم‌های سیاسی مسکو را در اروپای مرکزی و شرقی تقویت می‌کند و به میزان قابل توجهی قیمت‌های انرژی را در تمام اروپا افزایش می‌دهد (فرجی‌راد و صالحی دولت‌آباد، ۱۳۹۶: ۵۶).

این امر باعث سلطه روسیه در صدور گاز طبیعی به اروپا و نگرانی بروکسل از تهدیدات امنیت انرژی خواهد شد. نفوذ گازپروم در بازار گاز اروپا به حدی است که رئیس‌جمهور رومانی طی سخنرانی در ژوئیه ۲۰۰۶، اعلام کرد: «وابستگی اروپا به شرکت انحصاری گاز روسیه (گازپروم)، پس از فروپاشی ارتش اتحاد شوروی، بزرگ‌ترین تهدیدی است که منطقه با آن مواجه بوده است» (دهقانی فیروزآبادی و موسوی، ۱۳۹۰: ۴۲).

تا اواسط سال ۲۰۰۰، گاز روسیه بدون اختلالات عمده به اتحادیه اروپا صادر می‌شد؛

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۹۵

اما سناریوی «انقلاب نارنجی» اوکراین در سال ۲۰۰۴، اوضاع انرژی را کاملاً تغییر داد؛ به طوری که شرکت گازپروم روسیه تصمیم گرفت قیمت گاز را از ۵۰ دلار به ازای هر ۱۰۰۰ متر مکعب به ۲۳۰ دلار برساند. دلیل اصلی این کار، تنبیه اوکراین به دلیل گرایش‌های غرب‌گرایانه این کشور بود. در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ نیز، اختلاف قیمت بین مسکو و کی‌یف منجر به اختلال در جریان گاز به سمت اروپا شد که به طور جدی بر اقتصاد و جامعه چند کشور اروپای شرقی و جنوبی تأثیرگذار بود (Yafimava, 2015: 7).

بر همین اساس، نیاز اوکراین و حتی اروپا به گاز روسیه عملاً به برگ برنده مسکو در مقابل بروکسل و کی‌یف تبدیل شده است. روسیه با بهره‌برداری از نیازهای انرژی اروپا می‌تواند با تهدیدکردن این کشورها به قطع گاز در ماه‌های زمستان، اتحادیه اروپا را به عقب نشینی از اعمال تحریم‌ها علیه مسکو وادار کند. همچنان که برخی کشورهای اروپایی از ترس قطع گاز روسیه، مخالفت خود را با تصویب تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه اعلام کرده‌اند. تداوم نیاز اوکراین به گاز روسیه و مهم‌تر از آن نیاز اروپا به گاز این کشور، همچنان «برگ برنده» گاز را در اختیار مسکو قرار داده است تا هر زمان که بخواهد از آن برای اعمال نفوذ در سیاست‌های اتحادیه اروپا استفاده کند.

مسکو قصد دارد با بهره‌گیری از راهبرد مناسب در حوزه انرژی در رقابت با بازیگران بین‌المللی مانند ایالات متحده، چین و هند به جایگاهی برابر در گفت‌وگوها و مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی دست یابد؛ به نحوی که با آن مانند یک شریک برابر رفتار شود. روسیه همچنین از راهبرد انرژی خود برای دفاع از حاکمیت و افزایش نفوذ خود خصوصاً در کشورهای باقی‌مانده از اتحاد شوروی بهره می‌جوید. هدف اولیه سیاست انرژی روسیه در عرصه اقتصادی، تقویت حضور این کشور در بازار پرونق انرژی اروپا است (Van de Graaf & Colgan, 2017: 3-4).

درواقع، روسیه تلاش می‌کند تا با کنترل مسیرهای انتقال انرژی و حمل‌ونقل آن‌ها، کشورهای تولیدکننده و نیز کشورهای واردکننده انرژی را به کرملین وابسته کند؛ به عبارت دیگر، روسیه می‌کوشد تا از این موقعیت و فرصت پیش آمده برای تحمیل خواسته‌ها و پیش بردن اهداف سیاست خارجی خود در قبال اروپا بهره‌برداری کند و برای همراهی بروکسل

با استراتژی منطقه‌ای و بین‌المللی مسکو در مواقع ضروری شیرهای گاز صادراتی را بر روی اروپا ببندد و به اصطلاح از انرژی به عنوان یک سلاح سیاسی در قبال اروپا استفاده نماید.

۴-۴. تلاش اروپا برای تنوع‌بخشی به واردات انرژی

اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین اقتصاد جهانی را شامل می‌شود و ۵۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. این اتحادیه ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۱ را در جهان تولید کرده است که حدود ۱۷/۶ تریلیون دلار است. اتحادیه اروپا در بسیاری از ابعاد جهانی اهمیت زیادی دارد؛ اما دارای ذخایر بسیار کم داخلی از همه انواع سوخت فسیلی مانند نفت و گاز است (Christie, 2009: 3).

در حال حاضر حدود ۴۰ درصد واردات نفت اتحادیه اروپا از خاورمیانه و شمال آفریقا و حدود ۴۰ درصد گاز وارداتی به این اتحادیه نیز از روسیه تأمین می‌شود. بخش اعظم واردات اروپا توسط سرمایه‌گذاری گسترده بر خطوط لوله تأمین می‌شود و این مسئله باعث وابستگی اروپا به روسیه در تأمین منابع انرژی خود شده است. کنترل و تسلط روسیه بر بازار انرژی اروپا، قدرت مانور زیادی برای امتیازگیری در اختیار روسیه قرار داده است. حوادث سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ میلادی، شکنندگی وضعیت اروپا را به نمایش درآورد. در این سال‌ها روسیه به بهانه اختلاف با اوکراین بر سر قیمت گاز، در آغاز زمستان سرد اروپا، گاز ارسالی به اروپا را قطع نمود. این مسئله کشورهای اروپایی به ویژه کشورهایمانند؛ فنلاند و استونی که بیش از ۹۸ درصد از سوخت گاز خود را از روسیه تأمین می‌کردند را با بحرانی جدی و قطع سوخت و برق در آن زمستان سخت روبه‌رو نمود. از طرف دیگر، روسیه نیز کوشیده است نقش برتر خود در کنترل بازار انرژی اروپا را تداوم بخشد (امینیان، ۱۳۹۲: ۹۱-۹۰).

با توجه به وابستگی شدید اروپا به انرژی روسیه، امنیت انرژی اتحادیه اروپا با چالش‌هایی جدی مواجه است. بحران‌های گازی به وقوع پیوسته میان روسیه و اوکراین و تقویت دیپلماسی انرژی روسیه در قبال بلاروس، گرجستان و لیتوانی بیانگر آن است که

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزار انرژی روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۹۷

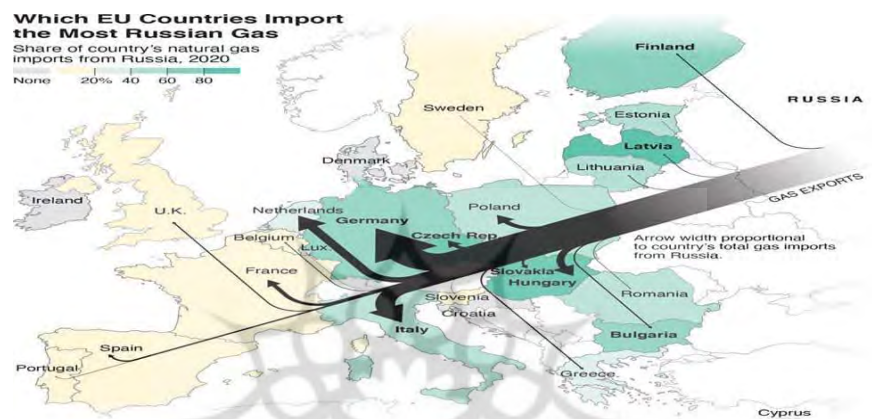
روسیه می‌خواهد از ابزار انرژی در راستای تحقق سیاست خارجی خود و آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا بهره‌برداری کند. همچنین منابع روسیه در سال‌های آینده نمی‌تواند نیازهای انرژی اتحادیه را تأمین کند. به همین خاطر، منطقه قفقاز جنوبی می‌تواند جایگزینی برای تأمین انرژی اروپا باشد.

قفقاز جنوبی در چند مسیر مهم انتقال انرژی اتحادیه اروپا قرار دارد و در چند طرح مهم سیاسی اتحادیه از جمله؛ سیاست همسایگی اروپا، شراکت شرقی و هم‌افزایی اروپایی دریای سیاه ادغام شده است. این منطقه بخشی از کریدور انرژی جنوبی و راهبرد ترانس کاسپین محسوب می‌شود و کریدور جنوبی به یکی از طرح‌های اولویت‌دار در حوزه انرژی برای اتحادیه اروپا تبدیل شده است (ثمودی پبله‌ورد و نوروزی زرمهری، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۸).

اتحادیه اروپایی در سند سبز انرژی خود در سال ۲۰۰۶ و در استراتژی انرژی اروپایی خود که در سال ۲۰۰۷ ارائه داد؛ دسترسی مطمئن، پایدار و مقرون به صرفه انرژی را منوط به تحقق سه هدف اعلام نمود: ۱- تنوع بخشی کشورهای عرضه‌کننده انرژی؛ ۲- تنوع بخشی منابع انرژی و ۳- بهره‌گیری فزاینده از انرژی‌های جایگزین و تجدیدشونده (رضوی، ۱۴۰۰: ۱۸۹). هم‌اکنون استراتژی انرژی جدید اتحادیه اروپا بر روی پنج اولویت متمرکز شده است که عبارت‌اند از: ۱- دستیابی به اهداف افزایش کارایی انرژی در اروپا؛ ۲- ایجاد بازار انرژی هم‌گرایی پان اروپایی؛ ۳- تقویت مصرف‌کنندگان و دستیابی به بالاترین حد ایمنی و امنیت در زمینه انرژی؛ ۴- گسترش رهبری اروپا در زمینه نوآوری و فن‌آوری انرژی؛ ۵- تقویت ابعاد خارجی بازار انرژی اروپا (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱).

اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین واردکننده انرژی در جهان است و ۵۳ درصد از انرژی مصرفی خود را وارد می‌کند. تولید سوخت‌های فسیلی آن در داخل همچنان رو به کاهش است و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که واردات گاز آن بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۳۰، افزایش یابد؛ اما واردات نفتی همچنان ثابت باقی بماند. در حال حاضر اروپا سالیانه ۴۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال وارد می‌کند که روسیه ۴۰ درصد از کل واردات آن را تأمین می‌کند. تقاضای گاز طبیعی اروپا به دلیل گازی شدن روزافزون صنایع اروپایی به سرعت در حال افزایش است. در واقع، اتحادیه اروپا متکی به گول انرژی روسیه گازپروم جهت تأمین

حدود یک سوم از گاز طبیعی آن است و مسکو به نوبه خود درآمد قابل توجهی را از فروش آن به دست می‌آورد. گازپروم تنها شرکت قانونی روسیه است که مطابق با قانون این کشور اجازه صادرات گاز روسیه از راه خطوط لوله را دارد و از یک موقعیت انحصاری در بسیاری از کشورهای اروپای مرکزی و اروپای شرقی، برخوردار است؛ اما این موقعیت در حال تضعیف است (آجیلی و زارع، ۱۳۹۴: ۱۰).



شکل ۲. وابستگی اروپا به منابع گازی روسیه (Holder et al., 2022: 2)

همان‌طور که گفته شد؛ با ایجاد بحران در روابط گازی روسیه و اتحادیه اروپا و به دنبال آن مناقشات ایجاد شده از سوی روسیه جهت الحاق شبه جزیره کریمه و تلاش‌های آن در جهت بی‌ثبات کردن اوکراین، کشورهای عضو اتحادیه را مجبور به توجه بیشتر به تأمین‌کنندگان خارجی و منابع جایگزین از جمله؛ کشورهای عضو شوروی سابق کرده است. در این میان، منطقه قفقاز جنوبی به دلیل منابع انرژی غنی آن، محور اصلی امنیت انرژی اتحادیه اروپا است.

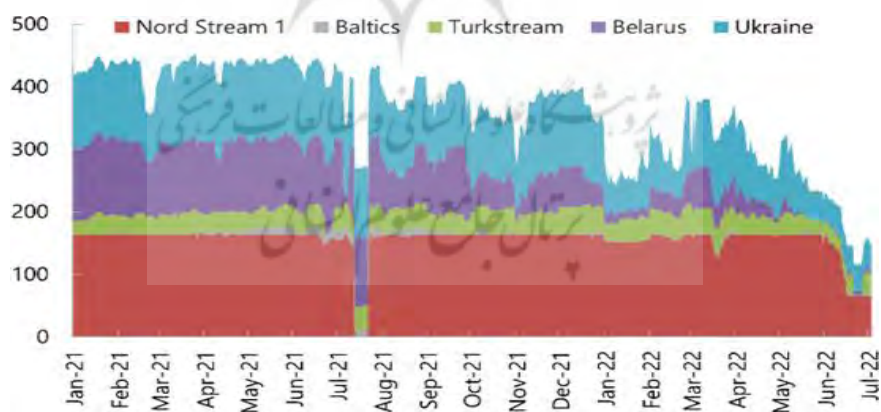
اگرچه این منطقه به طور سنتی تحت کنترل روسیه بوده است؛ با این حال، در دهه گذشته اتحادیه اروپا به طور فزاینده‌ای در حال برنامه‌ریزی خطوط لوله در منطقه با حذف روسیه است که طرح خط لوله گاز طبیعی ناباکو^۱ به طور قابل توجهی در مرکز این تلاش استراتژیک بوده است. این طرح جهت اتصال منابع دریای خزر به بازارهای اروپا طراحی

1. Nabaku

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۴۹۹

شده است و از پشتیبانی کامل اتحادیه اروپا جهت تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی آن برخوردار بود که با توجه به ظرفیت ۳۱ میلیارد متر مکعبی آن به طور بالقوه می‌تواند ۴/۴ درصد از کل گاز طبیعی مورد نیاز را تأمین کند (Bajrektarevic & Posega, 2016: 16). به‌طور مشخص، اتحادیه اروپایی از اجرای پروژه ناباکو چهار هدف عمده را تعقیب می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- افزایش امنیت انرژی و تأمین پایدار نیازهای انرژی اتحادیه؛ ۲- حفظ محیط زیست؛ ۳- کاهش نقش روسیه در تأثیرگذاری بر اتحادیه اروپایی و ۴- رقابتی کردن بازار انرژی و کاهش قیمت‌های انرژی (سلطانی و بهمنش، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

اتحادیه اروپا به شدت وابسته به واردات انرژی است و این وابستگی (در صورت طی روند گذشته) افزایش می‌یابد و این افزایش تا سال ۲۰۳۰ ادامه خواهد یافت. کمیسیون اروپا پیش‌بینی کرده است تا سال ۲۰۳۰ حدود ۷۰ درصد انرژی از خارج وارد شود. از سوی دیگر، روسیه نشان داده که از برتری قدرت و امکانات در حوزه انرژی به عنوان ابزار سیاسی بر ضد کشورهای که با غرب اتحاد دارند؛ برای تنبیه و اعمال هزینه استفاده می‌کند. خطوط لوله نورد استریم^۱ و سوت استریم^۲ نیز روسیه را برای دسترسی به بازارهای مصرف در اروپا طی چندین سال آینده بدون نیاز به کشورهای واسطه مطمئن می‌سازد (ولسی‌زاده و شریف‌کاظمی، ۱۴۰۰: ۱۵۷).



شکل ۳. مسیرهای خطوط لوله گاز روسیه به اروپا (Di Bella et al., 2022: 6)

1. Nord Stream
2. South Stream

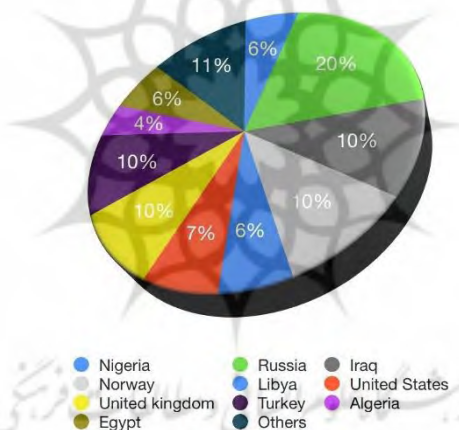
با این وجود، در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵، زمانی که گازپروم گاز صادراتی به اوکراین را قطع کرد؛ عرضه گاز به اتحادیه اروپا متوقف شد و کشورهای اتریش، ایتالیا، فنلاند، اسلواکی و آلمان از این بابت با ضررهایی مواجه شدند. این منازعه پس از مدتی با توافق بر سر قیمت گاز حل شد؛ اما این مسئله به اتحادیه اروپا فهماند که در زمینه امنیت انرژی بسیار آسیب‌پذیر است؛ همچنین این بحران این پرسش را به وجود آورد که آیا روسیه شریکی قابل اطمینان در زمینه انرژی است و اینکه آیا روسیه در آینده نیز از انرژی به عنوان سلاح سیاسی استفاده نمی‌کند؟ این موضوع و رویداد قبلی موجب شد که اتحادیه اروپا به سمت یک استراتژی منسجم انرژی پیش برود. به این ترتیب، برای اولین بار در مارس ۲۰۰۸ میلادی، کمیسیون اروپا یک استراتژی در این رابطه تصویب کرد که «استراتژی اروپا برای انرژی مطمئن، رقابتی و پایدار نامیده شد» (Adelle et al., 2009: 18-20).

با توجه به این‌که در حدود نیمی از گاز طبیعی و حدود ۳۰ درصد از نفت وارداتی به اروپا از روسیه تأمین می‌شود؛ وابستگی رو به رشد اتحادیه اروپا به انرژی روسیه و قراردادهای بلندمدت میان شرکت‌های روسی و برخی از دولت‌های اروپایی از جمله آلمان، سبب تقویت گمانه‌زنی‌ها در رابطه با استفاده ابزاری روسیه از انرژی جهت تأثیرگذاری بر سیاست خارجی و اقتصادی اتحادیه اروپا شده است (2: Tribuna Economica, 2022). این کشور با امضای موافقت‌نامه‌های جداگانه با کشورهای مختلف اروپایی توانسته به قدرت چانه‌زنی آن‌ها در گفت‌وگوها با روسیه صدمه زده و سبب تسریع روند تصمیم‌گیری کشورهای اروپایی برای تعریف سیاست انرژی مشترک شود. به دنبال قطع مقطعی صادرات گاز روسیه به اوکراین در یکم ژانویه ۲۰۱۶، به دلیل اختلاف بر سر قیمت، صادرات گاز به هفت عضو دیگر اتحادیه اروپا (اسلواکی، لهستان، ایتالیا، مجارستان، آلمان، فرانسه و اتریش) قطع شد و موضوع امنیت انرژی اتحادیه اروپا در صدر گفت‌وگوهای سیاسی کشورهای این اتحادیه قرار گرفت.

مشاجره در میان روسیه سفید و روسیه در ژانویه ۲۰۰۷ نیز برای کشورهای اروپایی به ویژه آلمان پیامدهای مشابهی را به همراه داشت. این بار ترنز نفت، اپراتور نفتی روسیه، خط لوله انتقال نفت به روسیه سفید را که از راه آن آلمان ۲۰ درصد از نفت وارداتی خود

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۵۰۱

را دریافت می‌کرد، قطع کرد و در پی این اقدام، آلمان و اتحادیه اروپا به شدت به این تصمیم روسیه اعتراض کردند. به دنبال این رویداد، با افزایش نگرانی‌ها در رابطه با وابستگی اروپا به انرژی روسیه و افزایش فشار افکار عمومی در رابطه با تغییرات جهانی آب‌وهوا، در مارس ۲۰۰۷ اعضای اتحادیه، به منظور تدوین «سیاست انرژی» با یکدیگر به توافق رسیدند. در راستای این سیاست، مقرر شد تا ورودی‌های تأمین انرژی این اتحادیه متنوع شده و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر جهت کاهش تولید کربن، افزایش یابد. وقوع جنگ گرجستان و روسیه نیز سبب شد تا مسیرهای انتقال انرژی از خطوط لوله باکو-تفلیس-جیحان و باکو-سوپسا زیر سؤال برده شود و روابط اروپا با مسکو در زمینه انرژی به شدت تحت تأثیر قرار گیرد. این رویداد، تجدیدنظر اتحادیه اروپایی در اتکا به منابع انرژی روسیه را شتابی دوچندان بخشید (سازمند و شمس، ۱۳۹۴: ۲۷۸-۲۷۷).



شکل ۴. صادرکنندگان نفت خام به اروپا در ژانویه ۲۰۱۹ (رضوی، ۱۴۰۰: ۲۰۸)

آمارها نشان می‌دهد که برخی از اعضای اتحادیه تا صد در صد گاز مصرفی خود را از روسیه وارد می‌کنند. بدیهی است که این وابستگی شدید برای اتحادیه اروپا خوشایند نیست و این اتحادیه در پی آن است که با متنوع‌سازی منابع انرژی، خود را از این وابستگی فلج کننده نجات دهد؛ زیرا یکی از نگرانی‌های مهم اتحادیه اروپا وابستگی آن در بخش انرژی است و همان‌گونه که اشاره شد؛ بسیاری از پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که از سال ۲۰۳۰ به بعد اتحادیه اروپا مجبور به واردات بیش از ۷۰ درصد انرژی خود خواهد بود و

این امر همانند آسیب‌پذیری آن در رقابت‌های جهانی است و رؤیای رهبران اروپا را در تبدیل شدن به یکی از بلوک‌های مهم تأثیرگذار در جهان چندقطبی با تردید روبه‌رو خواهد ساخت (سازمند و شمس، ۱۳۹۴: ۲۷۹-۲۷۸).

در این رابطه، اتحادیه اروپا در وضعیتی آسیب‌پذیر قرار دارد؛ زیرا واردات انرژی این اتحادیه عمدتاً از مناطقی است که فاقد عنصری چون پایداری، اطمینان و اعتماد در فرآیند صدور انرژی هستند. به عنوان مثال؛ روسیه به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان عمده منابع فسیلی اتحادیه با صادر کردن ۴۰ درصد گاز طبیعی و ۲۷ درصد نفت در سال ۲۰۱۸، رفتار سیاسی کرم‌لین در برخورد با اوکراین و نیز مولداوی و قطع جریان گاز از سوی شرکت گازپروم به این کشورها و سپس کاهش ۳۰ درصدی صدور گاز به فرانسه و ایتالیا، این انگاره را در محافل سیاسی اروپا تقویت کرد که این کشور با انجام چنین اقداماتی، جنگ سرد جدیدی را در مناسبات خود با اتحادیه آغاز نموده است.

برای مقابله با اقدامات روسیه، استراتژی امنیت انرژی اتحادیه در مه ۲۰۱۴ در قبال اقدامات روسیه وضع شد. این استراتژی شامل افزایش تولید انرژی در کشورهای اروپایی، تنوع تأمین‌کنندگان خارجی و آماده کردن زیرساخت‌های مربوطه برای انتقال خطوط لوله به اروپا بوده است. همچنین این استراتژی به اتحادیه توصیه کرده بود که کشورهای اروپایی ضمن کاهش وابستگی خود به تأمین‌کنندگان منابع انرژی مخصوصاً روسیه، باید مسیرهای جدیدی را برای تأمین منابع خود پیدا کنند. بدیهی است که همکاری با نروژ، تسریع در پیشبرد کریدور گاز جنوبی و ارتقاء یک مرکز گاز جدید در جنوب اروپا باید در اولویت قرار گیرد (رضاپور و هدایتی شهیدانی، ۱۳۹۹: ۱۶۲-۱۵۸)؛ بنابراین می‌توان گفت؛ کشورهای مصرف‌کننده انرژی با اتخاذ دیپلماسی انرژی مناسب، فعالانه در تلاش برای ایجاد رابطه با کشورهای تولیدکننده انرژی هستند تا از این طریق امنیت انرژی پایدار برای خود رقم بزنند.

با توجه به حمایت‌های صورت گرفته از سال ۲۰۲۰، کریدور گاز جنوبی در مرحله اول

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۵۰۳

خود، میزان ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال را به بازار اروپا عرضه خواهد کرد. از راه این کریدور، اتحادیه برای اولین بار از گاز خزر بهره‌مند خواهد شد و در نتیجه منابع و مسیرهای خود را متنوع می‌کند. ده میلیارد متر مکعب هرچند تنها کسری از مصرف گاز سالانه اتحادیه اروپا را تأمین می‌کند؛ اما با این حال، حتی با تحویل ۱۰ میلیارد متر مکعب، کارشناسان انرژی اروپایی معتقدند که این اقدام قدرت چانه‌زنی اتحادیه و شرکت‌های اروپایی را برای کاهش قیمت گاز روسیه افزایش خواهد داد (Grigas, 2017: 3).

با این وجود، اتحادیه اروپا در تلاش است تا با استفاده از خطوط لوله جدید مانند ناباکو، مناسبات تأمین انرژی بروکسل را برای کاهش وابستگی به روسیه متنوع نماید که این موضوع به شدت از سوی مقامات کرملین مورد انتقاد قرار گرفت. شاید تنها بازیگری که بیشتر از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگر به دنبال کسب منافع اقتصادی است، اتحادیه اروپا باشد. اتحادیه اروپا همواره به دنبال همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه برای تضمین امنیت انرژی خود است. تدوین «بیمان منشور انرژی» و تشویق کشورها برای پیوستن به آن و ایجاد شرکتی برای احداث خط لوله جدید جهت انتقال گاز از منطقه دریای خزر به اتحادیه اروپا نمونه‌هایی از اجرای این سیاست است (آجیلی و بهادرخانی، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۱). عملکرد روسیه در استفاده از انرژی به عنوان یک اهرم فشار در روابط خود با اروپا سبب شده است تا اروپا به سمت متنوع‌سازی مجاری تأمین و انتقال انرژی در منطقه روی آورد. اروپا خواهان آن است که رقابت در منطقه از حاصل جمع صفر به حاصل جمع مثبت تبدیل شود تا بتواند بدون تنش به منافع خود دست یابد (Weitz, 2006: 143).

با توجه به بحران‌های به وجود آمده، میزان تقاضا در اروپا کاهش یافته است؛ اما کارشناسان بر این باور هستند که در دهه‌های آینده میزان تقاضا برای انرژی در اروپا از ۶۴ درصد کنونی به ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت. گاز طبیعی یک منبع انرژی حیاتی برای اروپا است و این کشورها برای تنوع بخشیدن به تأمین نیازهای خود به منابع دریای خزر و شمال آفریقا چشم دوخته‌اند تا از زیر بار فشارهای انرژی روسیه خارج شوند. تا پیش از بحران اوکراین سیاست تنوع‌سازی منابع در دستور کار مقامات اروپایی قرار داشت و این

طرح پس از بحران اوکراین و ترس از فشارهای گازی روسیه با شدت بیشتری دنبال شده است. کشورهای اروپایی پس از الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه، نسبت به توافقات انرژی با مسکو واکنش نشان دادند و این اقدامات روسیه را مجبور ساخت برای دور زدن اوکراین مسیرهای جایگزین را برای انتقال انرژی به کشورهای اروپایی در پیش بگیرد (Munteanu & Sarno, 2016: 66). ضمن این‌که تحقق سناریوی چیرگی روسیه در اوکراین به معنای افزایش قدرت چانه‌زنی این کشور در مواجهه با اروپا نیز خواهد بود.

بحران در صادرات گاز روسیه به کشورهای اروپایی تاکنون چندین بار تکرار شده است. با توجه به تجربه تلخ اروپا در این زمینه، اتحادیه اروپا در تلاش برای یافتن جایگزینی به جای روسیه است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دومین دارنده ذخایر گاز در جهان و مجاورت جغرافیایی با قفقاز، گزینه مناسبی برای انتقال گاز به اتحادیه اروپا است. تشدید اختلافات روسیه و اوکراین باعث قوت گرفتن انتقال انرژی ایران به اروپا از راه قفقاز می‌شود؛ طرحی که از آن با عنوان جریان سفید یاد می‌شود (فلاحی و عامری، ۱۳۹۵: ۸۴-۸۳).

در پی تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، ولودیمیر زلنسکی^۱، رئیس‌جمهور اوکراین، از اتحادیه اروپا خواسته است تا کشورهای این اتحادیه خرید گاز از روسیه را متوقف کنند و تا آنجا پیش بروند که قطر و سایر تولیدکنندگان انرژی را ترغیب کنند تا صادرات گاز خود به اروپا را به عنوان بخشی از تلاش برای کاهش وابستگی این قاره به سوخت‌های فسیلی روسیه افزایش دهند (Eddy, 2022: 5). بازار گاز طبیعی در اتحادیه اروپا اصولاً به خوبی یکپارچه شده است؛ اما در صورت توقف واردات گاز روسیه، اصطکاک‌های احتمالی وجود دارد. اروپا می‌تواند از واردات ال.ان.جی^۲ غیر از روسیه، ظرفیت خط لوله برون‌مرزی اتحادیه اروپا و تأسیسات ذخیره‌سازی استفاده کند.

با این حال، زیرساخت خط لوله آن تا حدی نیاز به پیکربندی مجدد دارد. ظرفیت واردات غیر روسی در اتحادیه اروپا قابل توجه است. این میزان در مقایسه با مصرف سالانه

1. Volodymyr Zelinsky
2. LNG

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزار روسیه از انرژی (حمید درج) ۵۰۵

اتحادیه حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب، به ۲۵۷ میلیارد مترمکعب از راه خط لوله و ۲۳۲ میلیارد مترمکعب توسط ال.ان.جی در سال می‌رسد. طبق گزارش شرکت کپلر^۱، از مجموع ۲۳۲ میلیارد مترمکعب ظرفیت واردات ال.ان.جی، تنها ۳۱ درصد در سال ۲۰۲۱ استفاده شده است. استفاده اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است؛ اما ظرفیت هنوز در آوریل ۲۰۲۲ تنها ۵۳ درصد به صورت سالانه است (Albrizio et al., 2022: 7-8).

کشورهای اروپایی شروع به ساخت پایانه های شناور برای واردات ال.ان.جی جهت افزایش ظرفیت بیشتر کرده‌اند. شبکه خط لوله اروپا در بیشتر مناطق کاملاً یکپارچه است و اکثر کشورهای اتحادیه اروپا ظرفیت قابل توجهی در خط لوله فرامرزی اتحادیه اروپا دارند که به روسیه مرتبط نیست؛ برای مثال، آلمان مجموعاً ۱۱۴ میلیارد متر مکعب گاز نسبت به نروژ، اتریش، بلژیک، سوئیس، دانمارک و هلند دارد؛ در حالی که کل مصرف سالانه براساس شبکه اروپایی اپراتورهای سیستم انتقال، ۹۴ میلیارد متر مکعب است.

با این حال، چالش‌های بالقوه منطقه‌ای در مورد قطع گاز روسیه می‌تواند پدیدار شود؛ زیرا زیرساخت خطوط لوله اروپا برای گاز طبیعی هنوز تا حدی به واردات از روسیه وابسته است. در صورت قطع گاز روسیه، واردات بیشتر از راه پایانه‌ها و خطوط لوله واردات ال.ان.جی از نروژ، شمال آفریقا و از راه ترکیه انجام می‌شود (Di Bella et al., 2022: 6).

نکته قابل توجه اینک تنگه‌های دریایی ترکیه موسوم به بسفر و داردانل، دروازه ورودی به بندرهای استراتژیک دریای سیاه و منابع غنی هیدروکربن محسوب می‌شوند که پتانسیل تبدیل منطقه به یک کانون ترافیک دریایی بالقوه که می‌تواند بسیار شبیه به خلیج فارس باشد را دارند. دریای سیاه شریان حمل و نقل و تولید برق است که سالانه ۶۰ درصد تجارت روسیه از آن عبور می‌کند. همچنین این دریا مسیر اصلی رفت و آمد کشتی‌ها و صادرات نفت و گاز به شمار می‌آید. از دیدگاه غرب، الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، انحصار مسیرهای تأمین انرژی به اروپا و حمله فوریه ۲۰۲۲ روسیه به اوکراین

در نهایت منجر به این امر شد که مصرف‌کنندگان انرژی در جهان صنعتی به‌طور جدی به دنبال جایگزین منابع هیدروکربنی باشند (Cubukcuoglu, 2002: 7).

از ۱۵۵ میلیارد متر مکعب گاز وارداتی از روسیه، ۱۴۰ میلیارد متر مکعب از راه خطوط لوله گاز وارد اروپا می‌شوند. این خطوط لوله از اوکراین، لهستان و زیرآب‌های دریای بالتیک عبور می‌کنند. اتحادیه اروپا به دنبال جایگزینی گاز وارداتی از راه خطوط لوله با گاز طبیعی مایع است که معمولاً از راه کشتی انجام می‌گیرد. با این حال، گاز طبیعی مایع، ال.ان.جی.^۱، نمی‌تواند جایگزین کل واردات گاز از روسیه شود. گاز طبیعی مایع از گاز وارداتی از راه خطوط لوله گران‌تر است و زیرساخت‌های وارداتی آن نیز در همه کشورهای اروپایی آماده نیست (Euronews, 2022: 5). به عنوان مثال؛ اسپانیا موفق شده در سال‌های اخیر پایانه‌هایی را برای واردات گاز طبیعی مایع مهیا کند و هم‌زمان یونان و لهستان، دو کشور دیگر اتحادیه اروپا، در حال ساخت چنین پایانه‌هایی هستند؛ اما ساخت پایانه‌ها زمان‌بر است و نمی‌تواند تصمیم‌گیری درباره تحریم گاز روسیه را از سوی تمام کشورهای عضو آسان‌تر کند. دستیابی به توافق بر سر تحریم گاز روسیه با توجه به میزان متفاوت وابستگی کشورهای اروپایی به واردات گاز از این کشور چالشی و متغیر است.

برای مثال رئیس‌جمهور لیتوانی می‌گوید که این کشور از ۴ آوریل ۲۰۲۲، واردات گاز از روسیه را متوقف کرده و در نظر دارد از این پس به پایانه واردات گاز مایع خود تکیه کند. آن‌ها موفق شدند چنین پایانه‌ای را در سال ۲۰۱۴ تأسیس کنند. لهستان که طی سال‌های گذشته به دنبال جایگزین برای گاز روسیه بوده نیز در نظر دارد که قراردادهای خرید گاز این کشور را تمدید نکند. این در حالی است که آلمان به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا همچنان ۴۰ درصد از گاز مصرفی خود را از روسیه وارد می‌کند. برلین نیز در نظر دارد؛ واردات نفت و زغال‌سنگ روسیه را در سال جاری متوقف کند و واردات گاز را تا سال ۲۰۲۵ پایان دهد (The Associated Press, 2022: 4).

نزدیک به ۸۰ درصد پس‌انداز خارجی روسیه در بانک‌های انگلیس و آمریکا نگهداری می‌شد که در ۲۶ فوریه ۲۰۲۲، آمریکا و انگلیس آن را مسدود کردند. حذف روسیه از

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۵۰۷

سیستم مالی سوئیفت یکی از سخت‌ترین گام‌های مالی است که می‌تواند علیه روسیه انجام گیرد و به اقتصاد این کشور آسیب برساند. این اقدام می‌تواند روسیه را از اکثر معاملات مالی بین‌المللی، از جمله منافع بین‌المللی حاصل از تولید نفت و گاز که بیش از ۴۰ درصد از درآمد این کشور را تشکیل می‌دهد، محروم کند (Rebucci, 2022: 4).

تحریم‌هایی که اکنون مورد بحث قرار می‌گیرند در مقیاسی بی‌سابقه هستند. تحریم‌های فعلی اعمال‌شده توسط آمریکا و اتحادیه اروپا علیه مسکو برخی از فعالیت‌های تجاری و مالی را محدود می‌کند و افراد و نهاد‌های خاصی را هدف قرار می‌دهد. به عنوان مثال؛ می‌توان به ممنوعیت خرید اوراق بدهی دولت روسیه، ممنوعیت صادرات کالاهای با فناوری پیشرفته مانند نیمه‌هادی‌ها، مسدود شدن دارایی‌ها و اقدامات گسترده علیه بانک‌های روسیه اشاره کرد.

تحریم‌های جدید تأثیر بسیار گسترده‌تری خواهند داشت. اقدامات جدید می‌تواند شامل هدف قرار دادن نورد استریم ۱۲ نیز باشند که این خط لوله به گازپروم اجازه می‌دهد که همکاری تجاری خود با شرکت‌های اروپایی را تقویت کند و روسیه را قادر می‌سازد تا روابط دیرینه و طولانی‌مدت خود با آلمان را احیاء کند (Swissinfo, 2022: 4)؛ این امر ضمن کاهش نفوذ انحصاری روسیه در حوزه انرژی اتحادیه اروپا به خصوص آلمان، قدرت بازیگری و چانه‌زنی بروکسل را در معادلات انرژی افزایش خواهد داد و به کاهش وابستگی اروپا به انرژی روسیه کمک خواهد کرد.

برخی از تحلیل‌گران، خطوط لوله جدید روسیه را در راستای رقابت با اتحادیه اروپا که در تلاش برای تنوع بخشیدن به تأمین منابع گاز خود است؛ تفسیر کرده‌اند؛ زیرا کمیسیون اروپا در پاسخ به نگرانی‌های ناشی از امنیت انرژی که پس از بحران گازی روسیه-اوکراین - اتحادیه اروپا بروز کرده بود در سال ۲۰۰۸، راهبرد جدیدی آغاز کرد که گسترش «راهروی چهارم گازی» یکی از پایه‌های اصلی آن است. تأسیس راهروی چهارم از ناحیه جنوبی، انتقال منابع گازی حوزه خزر و خاورمیانه به اروپا و به‌طور طبیعی امنیت انرژی

بیشتر را ممکن خواهد کرد (سیمبر و رضاپور، ۱۳۹۸: ۵۴-۵۳).

درواقع، افزایش فزاینده نیاز اتحادیه اروپا به انرژی و مشکلات ایجاد شده در روابط انرژی روسیه با اتحادیه در سال‌های اخیر، لزوم تنوع بخشی به منابع تأمین انرژی را مورد توجه تصمیم‌گیران بروکسل قرار داده است. حضور پرنقش شرکت گاز پوم و فقدان قواعد بازارهای رقابتی در بازار انرژی روسیه، تلاش برای احداث خطوط لوله گاز و نفت از منابع حوزه دریای خزر و کشورهای خاورمیانه را بیش از پیش برای اروپا ضروری ساخته است. تنوع بخشیدن به منابع عرضه انرژی و کاهش نقش روسیه در بازارهای انرژی اروپا از سیاست‌های مورد تأکید اتحادیه اروپا است.

۴-۵. تأثیر جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین بر معادلات انرژی اروپا

تهاجم گسترده روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، اگرچه تأثیر به سزایی بر اقتصاد روسیه داشته است؛ اما این حمله نیز تأثیرات فراوانی بر ساختار انرژی و قیمت نفت و گاز اتحادیه اروپا داشته است. در این میان، بخش‌های وابسته به انرژی، به ویژه پالایش نفت و تولید برق، خدمات حمل و نقل، متالورژی و مواد شیمیایی، اولین مواردی هستند که آسیب خواهند دید؛ زیرا اروپا از روسیه به عنوان تأمین‌کننده منابع انرژی استفاده می‌کند. تحریم منابع انرژی روسیه نه تنها می‌تواند به قیمت‌های بالاتر؛ بلکه به سهمیه‌بندی مصرف انرژی در اروپا منجر شود.

براساس گزارش آژانس تحلیلی نفت و گاز جهان موسوم به ریستاد انرژی، تقاضای جهانی ال.ان.جی در سال ۲۰۲۲، به میزان ۴۳۶ میلیون تُن و عرضه آن ۴۱۰ میلیون تُن پیش‌بینی می‌شود. این بدان معناست که تقاضا ۶۳ درصد از عرضه بیشتر خواهد شد؛ به این معنی که ال.ان.جی به صورت کافی برای پاسخگویی به تقاضا وجود ندارد. به عنوان مثال، باید در نظر گرفت که چگونه شوک‌های عرضه می‌تواند بر قیمت‌ها تأثیر بگذارد. اتریش حدود ۸۰ درصد گاز خود را از روسیه دریافت می‌کند و هشدار داده است که قطع بزرگ‌ترین منبع تأمین‌کننده آن منجر به رکود اقتصادی در این کشور خواهد شد. از این‌رو، برگزاری مناقصه برای تکمیل انبارهای خود را آغاز کرده است. در اولین مناقصه، اتریش

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۵۰۹

برای ایجاد یک ذخیره استراتژیک گاز قبل از شروع فصل گرما ۴۵ درصد حق بیمه بر پایه قیمت اروپا پرداخت کرد (Prohorovs, 2022: 2).

ریستاد انرژی خاطر نشان می‌کند که ال.ان.جی ممکن است برای جایگزینی گاز روسیه در هوای سرد کافی نباشد. این آژانس پیش‌بینی می‌کند که قیمت گاز در اتحادیه اروپا به ۳۵۰۰ دلار در هر ۱۰۰۰ متر مکعب افزایش می‌یابد که تقریباً ۳۰۰ درصد بیشتر از یک سال گذشته است. ریستاد انرژی خاطر نشان می‌کند که «جایگزین بخش قابل توجهی از گاز روسیه بسیار دشوار خواهد بود؛ چراکه این امر عواقب گسترده‌ای برای جمعیت، اقتصاد و نقش گاز در انتقال انرژی منطقه» خواهد داشت و اینکه تعادل تقاضا و عرضه برای ال.ان.جی تنها پس از سال ۲۰۲۴ امکان‌پذیر خواهد بود. این بدان معناست که در نتیجه شوک عرضه، در صورت حذف تدریجی گاز روسیه، قیمت ال.ان.جی در اروپا برای چندین سال بالا باقی خواهد ماند. نکته اساسی اینکه قیمت بالای گاز به افزایش قابل توجه قیمت سایر منابع انرژی، از جمله منابع مقرون به صرفه کمک خواهد کرد. به عنوان مثال، اگرچه فصل گرما هنوز فرانسیده است؛ اما امسال قیمت هیزم در لتونی که صادرکننده عمده محصولات چوبی مختلف است؛ از ۱۲۰ به ۲۰۰ یورو افزایش یافته است. اروپا به دلیل وابستگی شدید به واردات مواد خام از روسیه و اوکراین، نسبت به سایر اقتصادهای بزرگ جهان آسیب‌پذیرتر است (Rabo Research, 2022: 11).

جنگ در حال حاضر به شدت بازارهای محدود غذا، انرژی و مالی را مختل کرده است. اختلالات و طولانی شدن مداوم در زنجیره تأمین جهانی و هزینه‌های حمل و نقل رو به رشد، وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند. افزایش قیمت نفت و مواد غذایی باعث افزایش نرخ تورم می‌شود که در حال حاضر بسیار بالا است. براساس پیش‌بینی بلک راک^۱، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های سرمایه‌گذاری جهان، کشورهای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ بیش از ۹ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف انرژی خواهند کرد. این بالاترین سهم در ۴۰ سال گذشته و بیش از دو برابر نرخ پیش‌بینی شده در ایالات متحده است؛ اگرچه دو

1. Black Rock

سال پیش، این رقم برای هر دو اقتصاد حدود ۲ درصد بود (Holland, 2022: 7). باید توجه داشت که طبق پیش‌بینی بانک جهانی، قیمت گاز طبیعی در اروپا در سال ۲۰۲۲ دو برابر سال ۲۰۲۱ خواهد بود؛ در حالی که قیمت زغال سنگ ۸۰ درصد بالاتر خواهد بود و تا پایان سال ۲۰۲۴ در سطوح بالای تاریخی باقی خواهد ماند؛ بنابراین می‌توان گفت که افزایش تورم در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به‌طور عمده به‌دلیل افزایش تقاضا و در نتیجه افزایش قیمت انرژی بوده است. عمده‌ترین عواملی که می‌تواند بر تداوم تورم بالا و یا حتی افزایش آن تأثیر بگذارد؛ شوک در قیمت و عرضه انرژی و سایر کالاهای اساسی است. ضربه به اروپا آشکارا یک و نیم برابر ایالات متحده خواهد بود و جنگ انرژی بیشترین آسیب را به اقتصاد اروپا وارد می‌کند. تأثیر اقتصادی و مالی جنگ و شوک رکود تورمی مرتبط با آن در روسیه و اوکراین و پس از آن اتحادیه اروپا به‌دلیل وابستگی شدید آن به گاز روسیه، بیشترین میزان را خواهد داشت (Roubini, 2022: 5).



شکل ۵. میزان تأثیر اختلال در عرضه گاز روسیه بر کشورهای اروپایی (Di Bella et al., 2022: 26)

با این حال، پل کروگمن^۱ اذعان دارد که اگرچه پیامدهای جنگ روسیه در اوکراین برای اقتصاد جهانی بد خواهد بود؛ اما فاجعه‌بار نخواهد بود. به نظر او، شوک رویارویی روسیه و غرب بعید است به اندازه شوک نفتی که اقتصاد جهان را در دهه ۱۹۷۰ تکان داد؛ جدی

1. Paul Krugman

باشد. موقعیت اوکراین در مقایسه با سایر مناطق بحرانی توجّه بیشتری را به این کشور جلب کرده است و چشم‌انداز یک جنگ طولانی را محتمل‌تر می‌کند؛ به ویژه به این دلیل که اتحادیه اروپا و ناتو علاقه زیادی به حفظ حاکمیت اوکراین دارند؛ بنابراین، لیز تراس^۱، وزیر امور خارجه بریتانیا، گفته است که جنگ در اوکراین ممکن است تا ۱۰ سال به طول انجامد. مقامات آمریکایی و اروپایی به طور فزاینده‌ای بر این باورند که جنگ در کوتاه‌مدت پایان نخواهد یافت. کشورهای اروپایی باید برای این واقعیت آماده شوند که جنگ برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت (Gressel, 2022: 6).

جیک سالیوان^۲، مشاور امنیت ملی جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، نیز گفته است که جنگ در اوکراین احتمالاً طولانی خواهد شد. به‌باور ژنرال ینس استولتنبرگ^۳، دبیر کل ناتو، جنگ می‌تواند سال‌ها طول بکشد و ائتلاف نظامی نباید حمایت از اوکراین را متوقف کند. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که جنگ روسیه در اوکراین به دلیل محدودیت‌های بسیار قابل توجّه در صادرات روسیه می‌تواند در مدت زمان نسبتاً کوتاهی پایان یابد؛ اما پستوائ^۴ و همکاران بیان می‌دارند که تضعیف اقتصاد روسیه از راه تحریم‌های نفت و گاز دشوار است. برداشته شدن سریع تحریم‌های اقتصادی و بازگشت به شرایط قبل از جنگ کاملاً توهمی به نظر می‌رسد؛ حتی اگر توافق‌نامه صلح بین روسیه و اوکراین امضاء شود. همان‌طور که رویینی اشاره می‌کند؛ باید در نظر داشت که تحریم‌ها علیه مسکو، صرف نظر از اینکه چقدر گسترده یا ضروری برای مهار روسیه در آینده باشد؛ به ناچار نه تنها به روسیه؛ بلکه به ایالات متحده، غرب و بازارهای نوظهور نیز آسیب می‌رساند (Prohorovs, 2022: 10).

۵. نتیجه‌گیری

قفقاز جنوبی به لحاظ موقعیت استراتژیکی و منابع انرژی و همچنین بحث انتقال آن از راه خطوط لوله، برای اتحادیه اروپا دارای اهمیت خاصی است. اتحادیه اروپا به میزان زیادی به

1. Liz Terrace
2. Jake Sullivan
3. Jens Stoltenberg
4. Postova

انرژی روسیه، خاورمیانه و شمال آفریقا وابسته است و این امر موجب شده که برای کاهش این وابستگی، توجه جدی به انرژی‌های جدید و متنوع سازی منابع تأمین انرژی را مد نظر قرار دهد. این عامل و همچنین استفاده مکرر روسیه از ابزار انرژی برای فشار بر اتحادیه اروپا، سبب نگرانی زیادی را برای اروپایی‌ها در تأمین امنیت انرژی خود در پی داشته است. در این راستا، بروکسل درصدد رهایی از این وابستگی روزافزون و یافتن منابع انرژی مطمئن و جایگزین برآمده است که در این خصوص منابع نفت و گاز قفقاز جنوبی عامل مهمی در جلب توجه اتحادیه اروپا به این منطقه است. بسیاری از پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که نیاز آینده اروپا به منابع انرژی و واردات آن بیش از نیاز و مصرف کنونی آن خواهد بود و این به منزله آسیب‌پذیری آن در رقابت‌های جهانی است. بحران گازی روسیه- بلاروس در دسامبر ۲۰۰۶ و روسیه-اوکراین در ژانویه ۲۰۰۷ و فوریه ۲۰۱۴ و همچنین تهدید مسکو به استفاده از منابع انرژی به عنوان سلاح ژئوپلیتیک علیه کیف در تهاجم روس‌ها به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، سبب شده که اروپا ضمن پیگیری روابط انرژی قانونمند، به دنبال متنوع‌سازی مسیرها و منابع تأمین‌کننده امنیت انرژی خود برای کاهش وابستگی به روسیه باشد. از جنبه‌های امنیت انرژی که مستقیماً به دیپلماسی مربوط است؛ تجارت انرژی و به عبارت بهتر، دسترسی به بازار انرژی، صادرات و انتقال آن است؛ کشورها با ایجاد تعامل و همکاری در تبادلات انرژی در پی کسب سود بیشتر هستند. در این راستا، منابع انرژی مهم‌ترین ابزار تعامل برتر روسیه با غرب و ابزاری برای چانه‌زنی از موضع برتر و کسب ثروت است.

افزایش فزاینده نیاز اتحادیه اروپا، آمریکا و کشورهای شرق به منابع انرژی و کمبود جایگزین برای متنوع کردن منابع واردات خود در این زمینه، بستر مناسب برای روسیه در استفاده از منابع انرژی خود؛ نه تنها برای تأمین اهداف اقتصادی؛ بلکه برای تأمین اهداف سیاسی و راهبردی کلان‌تر را فراهم آورده است. هدف مسکو از تبدیل انرژی به ابزار سیاست خارجی و امنیتی را می‌توان در کوتاه‌مدت بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و تقویت موقعیت این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ در سیاست‌گذاری بین‌المللی و نیز

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزاری روسیه از انرژی (حمید درج) ۵۱۳

احیای نفوذ این کشور بر جمهوری‌های استقلال‌یافته و کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و معکوس کردن روند حرکت آن‌ها در هم‌گرایی بیشتر با ساختارهای غربی و ناتو و در درازمدت وابسته نگه داشتن اتحادیه اروپا به منابع انرژی روسیه و تضعیف نفوذ و مهار منطقه‌ای اروپا و آمریکا در قفقاز است.

از جنبه‌های مؤثر امنیت انرژی این است که با اتخاذ دیپلماسی فعال و سنجیده می‌توان به تولید بیشتر انرژی و به‌دنبال آن امنیت انرژی بالاتری دست یافت. در این راستا، اروپا در تلاش است؛ ابتدا روابط خود را با کشورهای مؤثر در تولید و انتقال این منابع توسعه بخشد و در مرحله دوم، برای تأمین امنیت خطوط انتقال این منابع، هم‌گرایی را در این منطقه تشویق نماید. اتحادیه اروپا برای جبران وابستگی انرژی به روسیه راهبردهایی همچون طراحی خطوط انتقال انرژی متنوع، سیاست مشترک انرژی و حتی روی آوردن به انرژی‌های تجدید پذیر را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

از جمله دیگر فعالیت‌ها و اقدامات اروپا در قفقاز؛ اعطای کمک‌های مالی، کمک‌های هماهنگ‌کننده و تلاش در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این مناطق در قالب سازمان‌های منطقه‌ای است؛ همچنین امنیت انرژی متضمن ارتباط بین امنیت ملی و در دسترس بودن منابع طبیعی برای مصرف انرژی است. از این رو، امروزه امنیت انرژی نه تنها در کانون سیاست‌های انرژی است؛ بلکه در کانون حوزه امنیت ملی نیز قرار دارد. بدین ترتیب، راهبرد اتحادیه اروپا در مقابله با احتمال به خطر افتادن امنیت عرضه انرژی و به‌دنبال آن امنیت داخلی خود، در تلاش برای به‌کارگیری سیاست تنوع‌بخشی به عرضه نفت و گاز برآمده است تا بتواند وابستگی شدید خود را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به عرضه انرژی از روسیه به نحو رضایت‌بخشی کاهش دهد و با افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی در کشورهای دارنده نفت و گاز، امنیت انرژی خود را در آینده افزایش دهد.

منابع

آجیلی، هادی و بهادرخانی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «اقتصاد سیاسی خطوط لوله انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳ (۱۰)، ۱۲۹-۱۵۵.

۵۱۴ مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره دوم، ۴۷۷-۵۱۸

آجیلی، هادی و زارع، مهناز (۱۳۹۴)، «جایگاه ترکمنستان در چشم‌انداز انرژی اتحادیه اروپا»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱ (۹۲)، ۱-۲۷.

آقاعلیخانی، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از منظر امنیت انرژی و تأثیر آن بر ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، ۸ (۱۸)، ۴۵-۷۵.

ابراهیمی، شهروز و محمدی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «رقابت روسیه و آمریکا در قفقاز جنوبی (۲۰۱۰-۱۹۹۱)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۴ (۸)، ۱-۲۲.

امینان، بهادر (۱۳۹۲)، «ژئوپلیتیک انرژی: اتحادیه اروپا و امنیت انرژی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۹ (۲)، ۸۲-۱۰۷.

«تنش در قفقاز جنوبی؛ نگاه ایران به روسیه»، *دیدار نیوز*، ۱۷ مهر ۱۴۰۰، آدرس اینترنتی:

<https://www.didarnews.ir/fa/news/110858>

ثمودی پیلرود، علیرضا و نوروزی زمهری، عابد (۱۳۹۴)، «قفقاز جنوبی؛ دل‌سرد از اتحادیه اروپا و ناامید از فدراسیون روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱ (۹۰)، ۳۹-۶۶.

حافظ‌نیا، محمدرضا و فرجی، بهرام (۱۳۹۳)، «تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای؛ مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰»، فصلنامه آفاق امنیت، ۷ (۲۴)، ۷۹-۱۰۶.

دهشیری، محمدرضا؛ کاظمی، علیرضا و سورتچی، محمدرضا (۱۳۹۹)، «سیاست‌های امنیت انرژی اتحادیه اروپا»، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، ۲ (۳)، ۱۱۵-۱۴۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و موسوی، سیدرحمان (۱۳۹۰)، «شاخصه‌های راهبرد امنیت انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا»، فصلنامه آفاق امنیت، ۴ (۱۲)، ۳۷-۶۶.

رحیم صفوی، سید یحیی و مهدیان، حسین (۱۳۸۹)، «ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق (چین و هند)»، فصلنامه جغرافیای انسانی، ۲ (۲)، ۳۱-۴۶.

رضاپور، دانیال و هدایتی شهیدانی، مهدی (۱۳۹۹)، «دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا در قبال جمهوری آذربایجان: اهداف و دستاوردها»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۲ (۶۴)، ۱۵۱-۱۷۸.

رضوی، سیدعبداله (۱۴۰۰)، «اروپا و معضل امنیت انرژی؛ محدودیت و راهبردها»، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، ۱۷ (۷۰)، ۱۸۷-۲۲۱.

رفیعی، عبدالرضا (۱۳۹۸)، «چالش‌های اتحادیه اروپا برای روسیه در قفقاز جنوبی (با تأکید بر طرح سیاست همسایگی و شراکت شرقی)»، فصلنامه پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۲ (۴)، ۵۳۹-۵۶۴.

تحلیل نگرانی اروپا از استفاده ابزار روسیه از انرژی (حمید درج) ۵۱۵

رهنورد، حمید (۱۳۸۸)، «سیاست اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی: منافع و چالش‌ها»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۵ (۶۵)، ۱۳۳-۱۵۹.

زارعی، کمال (۱۳۹۶)، *تعاملات استراتژیک اتحادیه اروپا در قفقاز جنوبی*، تهران: خرسندی، چاپ اول. سازمند، بهاره و شمس، سعیده (۱۳۹۴)، «جایگاه منابع انرژی دریای خزر در راهبرد آسیای مرکزی و قفقازی اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۸ (۲)، ۲۷۳-۲۸۷.

سلطانی، علیرضا و رضا بهمنش (۱۳۹۰)، «اتحادیه اروپا و چالش‌های امنیتی انرژی»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۴ (۱۷)، ۲۱۱-۲۴۰.

سیمبر، رضا و رضایور، دانیال (۱۳۹۸)، «قدرت ژئوپلیتیکی و روابط ژئوانرژی روسیه با اتحادیه اروپا در اوراسیای بزرگ»، فصلنامه روابط خارجی، ۱۱ (۴۴)، ۳۵-۶۱.

صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۴)، «امنیت انرژی چین و ژئواکونومیک انرژی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۷ (۲۲)، ۸۵-۱۲۳.

صباغیان، علی و رسولی، رؤیا (۱۴۰۰)، «تحلیل پایداری روابط انرژی روسیه و اتحادیه اروپا پس از بحران اوکراین از دیدگاه نظریه وابستگی متقابل»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۴ (۱)، ۱۷۷-۲۰۱.

فرجی‌راد، عبدالرضا و صالحی دولت‌آباد، روح‌اله (۱۳۹۶)، «اهمیت نقش انرژی در سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۳ (۹۸)، ۳۳-۶۶.

فلاحی، احسان و عامری، اسداله (۱۳۹۵)، «ریشه‌های بحران اوکراین و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۹ (۳۴)، ۶۵-۹۲.

متقی‌دستنایی، افشین (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپلیتیکی موانع شکل‌گیری همگرایی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۸ (۱)، ۶۳-۸۴.

مختاری‌هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۶ (۲)، ۹۵-۱۲۴.

مطلبی، مسعود؛ موسوی، سید محمدرضا و توتی، حسینعلی (۱۳۹۳)، *سیاست جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در قفقاز: تقابل‌گرایی یا همکاری جویی*. فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۷ (۲)، ۳۵۵-۳۷۴.

معین‌الدینی، سیدجواد و انتظارالمهدی، مصطفی (۱۳۸۹)، «امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی روسیه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۲ (۷۸)، ۱۹۵-۲۲۶.

- نیاکویی، سید امیر و میرزازاده، فرامرز (۱۳۹۲)، «رقابت قدرت‌ها، ژئوپولیتیک خزر و منافع ملی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۳ (۱۰)، ۱۱۱-۱۳۶.
- ولی‌زاده، اکبر و شریف‌کاظمی، کاظم (۱۴۰۰)، «سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا در قبال روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۷ (۱۱۳)، ۱۳۱-۱۶۴.
- یاری، احسان و رضایی، دانش (۱۳۹۶)، «دیپلماسی و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه پژوهش ملل، ۲ (۲۱)، ۲۷-۴۶.

References

- Adelle, C., Pallemarts, M. & Chiavari, J. (2009), "Climate Change and Energy Security in Europe: Policy Integration and its Limits", London: Institute for European Environmental Policy, 1-82.
- Aghaalikhani, M. (2012), Examining the relations between the European Union and the Persian Gulf Cooperation Council from the perspective of energy security and its impact on Iran. *Political Science Quarterly*, 7 (18), 45-75 (In Persian).
- Ajili, H. & Bahadurkhani, M. R. (2015), Political Economy of Energy Pipelines in Central Asia and the Caucasus. *Strategic Policy Research Quarterly*, 3 (10), 129-155 (In Persian).
- Ajili, H. & Zare, M. (2016), Turkmenistan's position in the energy landscape of the European Union. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 21 (92), 1-27 (In Persian).
- Albrizio, S., Bluedorn, J., Koch, Ch., Pescatori, A. & Stuermer, M. (2022), "Market Size and Supply Disruptions: Sharing the Pain from a Potential Russian Gas Shut-off to the European Union", *International Monetary Fund*, 1-38.
- Aminian, B. (2013), Energy Geopolitics: European Union and Energy Security. *Geopolitics Quarterly*, 9 (2), 82-107 (In Persian).
- Bajrektarevic, A. & Posega, P. (2016), "The Caspian Basin: Status Related Disputes, Energy Transit Corridors and Their Implications for the EU Energy Security", *An International Journal of Asia-Europe Relations*, 2 (1), 1-22.
- Christie, Edward Hunter (2009), *European security of gas supply: A new way forward*. In: *Liuhto Kari (Ed). EU-Russia gas connection: pipes, politics and problems*, turun kauppakorkeakoulu turku school of economics.
- Coppieters, B. (2003), "An EU Special Representative to a new periphery' in Dov Lynch (ed.), *The South Caucasus: a challenge for the EU*", *Chillot Papers*, 5 (65), 160-170
- Cornell, S. E. (2003), "The Growing Threat of Transnational Crime", *Chailot Papers/ EU Institute for Security Studies*, (65), 23-39.
- Cubukcuoglu, S. S. (June 3, 2022), "Russia-Ukraine Crisis and the Turkish Straits", *manara magazine*, <https://manaramagazine.org>.
- Dehghani-Firoozabadi, S. J. & Mousavi, S. R. (2011), Indicators of Russia's energy security strategy towards the European Union. *Afaq Security Quarterly*, 4 (12), 37-66 (In Persian).
- Deshiri, M., Alireza Kazemi & Suratchi, M. (2020), Energy Security Policies of the European Union. *Political Commentary Science Quarterly*, 2 (3), 115-141 (In Persian).
- Di Bella, G., Flanagan, M., Foda, K., Pescatori, A., Pienkowski, A., Stuermer, M. & Toscani, F. (2022), *Natural Gas in Europe: The Potential Impact of Disruptions to Supply*, *International Monetary Fund*, (412), 1-48.
- Didar News* (October 9, 2021), Tension in the South Caucasus; Iran's view of Russia. Internet address: <https://www.didarnews.ir/fa/news> (In Persian).
- Ebrahimi, S. & Mohammadi, E. (2011), Russian-American competition in the South Caucasus (1991-2010). *Central Eurasian Studies Quarterly*, 4 (8), 1-22 (In Persian).
- Eddy, M. (April 2, 2022), "Lithuania says it has stopped importing gas from Russia", Available at:

- <https://www.nytimes.com/2022/04/02/world/europe/lithuania-russia-gas.html>.
- Euronews (April 5, 2022), "What would sanctions on Russian energy mean and why is Europe reluctant to impose a ban?", Available at: <https://www.euronews.com>.
- Falahi, E. & Ameri, A. (2015), The Roots of the Ukraine Crisis and Its Impact on the National Interests of the Islamic Republic of Iran. *International Relations Studies Quarterly*, 9 (34), 65-92 (In Persian).
- Farji-Rad, A. R. & Salehi, Dolat-Abad, R. (2017), The Importance of the Role of Energy in Russia's Foreign Policy. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 23 (98), 33-66 (In Persian).
- Gressel, G. (2022), "Ukraine: Time for the West to Prepare for the Long War", *European Council on Foreign Relation*, April 19, Available online: <https://ecfr.eu/article/ukraine-time-for-the-west-to-prepare-for-the-long-wa/>
- Grigas, A. (January 11, 2017), "As Russia's gas market gets weaker, Europe gets stronger: Grigas", *Reuters*, Available at: <https://www.reuters.com>.
- Hafez-Nia, M. Reza & Faraji, B. (2016), Effect of energy geopolitics on the formation of regional security arrangements; A case study of the Persian Gulf region from 1970 to 2010. *Afaq Security Quarterly*, 7 (24), 79-106 (In Persian).
- Holder, J., Russell, K. & Reed, S. (Feb 15, 2022), "How a Ukraine Conflict Could Reshape Europe's Reliance on Russia", *The New York Times*, Available at: <https://www.nytimes.com>.
- Holland, Ben (April 5, 2022), "Energy Shock Is Huge for EU, Manageable in U.S., Blackrock Says", *Bloomberg News*, Bloomberg, Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles>.
- Karagiannis, E. (2002), *Energy and Security in the Caucasus*, London: Routledge Curzon.
- Moin-al-Dini, S. J. & Intjarul-Mahdi, M. (2009), Energy Security and Energy Diplomacy of Russia. *International Relations Studies Quarterly*, 2 (78), 195-226 (In Persian).
- Mokhtari Heshi, H. & Nosrati, H. (2010), Energy Security and Iran's Geoenergy Situation. *Geopolitics Quarterly*, 6 (2), 95-124 (In Persian).
- Motaghi-Dastanai, A. (2015), Geopolitical analysis of obstacles to the formation of convergence in the Central Asia and Caucasus region. *Central Eurasian Studies Quarterly*, 8 (1), 63-84 (In Persian).
- Munteanu, D. & Sarno, C. (2016), "South Stream and Nord Stream 2, Implications for the European Energy Security", *Análise Europeia*, 2, 60-96.
- Mutalabi, M. & Mousavi, S. M. R. & Toti, H. A. (2014), Policy of the Islamic Republic of Iran and the European Union in the Caucasus: Confrontationalism or Cooperation. *Central Eurasian Studies Quarterly*, 7 (2), 355-374 (In Persian).
- Niakoui, S. A. & Mirzazadeh, F. (2014), Competition of Powers, Caspian Geopolitics and Iran's National Interests. *International Relations Research Quarterly*, 3 (10), 111-136 (In Persian).
- Prohorovs, A. (2022), "Russia's War in Ukraine: Consequences for European Countries' Businesses and Economies", *Journal of Risk and Financial Management*, 4 (8), 1-15.
- Rabo Research (2022), "War in Europe: Is Recession Now Inevitable?", March 3. Available online: <https://economics.rabobank.com>
- Rafiei, A. (2018), Challenges of the European Union for Russia in the South Caucasus (with an emphasis on the Eastern Partnership and Neighborhood Policy Plan), *History, Politics and Media Research Quarterly*, 2 (4), 539-564 (In Persian).
- Rahim Safavi, S. Y. & Mahdian, H. (2010), Iranian Energy Geopolitics and Eastern Energy Security (China and India), *Human Geography Quarterly*, 2 (2), 31-46 (In Persian).
- Rahnvard, H. (2009), European Union Policy in South Caucasus: Benefits and Challenges. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 15 (65), 133-159 (In Persian).
- Razavi, S. A. (2020), Europe and the problem of energy security; Limits and strategies. *Quarterly Journal of Energy Economy Studies*, 17 (70), 187-221 (In Persian).
- Rebucci, A. (March 4, 2022), "SWIFT Sanction on Russia: How It Works and Likely Impacts", *Econofact*, Available at: <https://econofact.org>.
- Rezapour, D. & Hedayati Shahidani, M. (2021), Energy Diplomacy of the European Union towards the Republic of Azerbaijan: Goals and Achievements. *Quarterly Journal of Political*

- and International Approaches*, 12 (64), 151-178 (In Persian).
- Roubini, N. (2022), "Russia's War and the Global Economy", *project syndicate*, Available at: <https://www.project-syndicate.org/onpoint/russiaswar-and-the-global-economy-by-nouriel-roubini-2022-02>.
- Rumer, E., Sokolsky, R. & Stronski, P. (2017), "U.S. Policy Toward the South Caucasus: Take Three", *Carnegie Endowment For International Peace*, 31 May, Available at: <http://carnegieendowment.org>.
- Sabbaghian, A. & Rasouli, R. (2021), Analysis of the stability of energy relations between Russia and the European Union after the Ukraine crisis from the point of view of interdependence theory, *Central Eurasian Studies Quarterly*, 14 (1), 177-201 (In Persian).
- Sadeghi, S. S. (2015), China's Energy Security and Iran's Energy Geoeconomics. *International Political Research Quarterly*, 7 (22), 85-123 (In Persian).
- Sazmand, B. & Shams, S. (2015), The position of Caspian Sea energy resources in the European Union's Central Asia and Caucasus strategy. *Central Eurasian Studies Quarterly*, 8 (2), 273-287 (In Persian).
- Shapovalova, N. & Youngs, R. (2012), *EU democracy promotion in the Eastern neighbourhood: a turn to civil society?*, FRIDE - A European Think Tank for Global Action, 1-28.
- Simber, R. & Rezapour, D. (2019), Geopolitical power and geoenergy relations between Russia and the European Union in Greater Eurasia. *Foreign Relations Quarterly*, 11 (44), 35-61 (In Persian).
- Soltani, A. & Bahmanesh, R. (2012), The European Union and Energy Security Challenges. *International Relations Studies Quarterly*, 4 (17), 211-240 (In Persian).
- Swissinfo (March 31, 2022), "The Sanctions Imposed So Far on Russia From the U.S., EU and U.K.", Available at: <https://www.swissinfo.ch>.
- Thamodi-Pileroud, A. & Nowrozi Zarmehri, A. (2016), South Caucasus; Disheartened by the European Union and disappointed by the Russian Federation. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 21 (90), 39-66 (In Persian).
- The Associated Press (April 4, 2022), "Why is Europe balking at a ban on Russian energy?", *The Daily Independent*, Available at: <https://yourvalley.net>.
- Tribuna Economica (April 27, 2022), "In focus: Reducing the EU's dependence on imported fossil fuels", Available at: <https://www.tribuna.com>.
- Valizadeh, Akbar & Sharif Kazemi, K. (2021), Common foreign and security policy of the European Union towards Russia. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 27 (113), 131-164 (In Persian).
- Van de Graaf, T. & Jeff, D. C. (2017), "Russian Gas Games or Well-Oiled? Energy security and the 2014 Ukraine Crisis", *Journal of Energy Research & Social Science*, 24 (7), 59-64.
- Weitz, R. (2006), "Averting a New Great Game in Central Asia", *The Washington Quarterly*, 29 (3), 155-167.
- Yafimava, K. (2015), "European energy security and the role of Russian gas: Assessing the feasibility and the rationale of reducing dependence", *Istituto Affari Internazionali*, 1-21
- Yari, E. & Rezaei, D. (2017), Diplomacy and energy security of the Islamic Republic of Iran. *Monthly Research of Nations*, 2 (21), 27-46 (In Persian).
- Zarei, K. (2016), *Strategic interactions of the European Union in South Caucasus*, Tehran, Publications: Khorsandi, first edition (In Persian).